

آینه‌های‌بشار

فصلنامه خبری آموزشی اطلاع‌رسانی
کانون علمی فرهنگی ستاد شاهد و ایثارگر
شماره ۲۱ و ۲۲. بهار و تابستان ۱۳۸۹

Shahed83@sbu.ac.ir
<http://shahed.sbu.ac.ir>
Shahid Beheshti University



دانشگاه شهید بهشتی





آینه ایشار

شماره ۲۱، ۲۲ _ بهار و تابستان ۱۳۸۹
فصلنامه خبری آموزشی اطلاع رسانی
کانون علمی فرهنگی ستاد شاهد و ایشارگر

صاحب امتیاز: ستاد شاهد و ایشارگر دانشگاه شهید بهشتی

مدیر مسئول: داود طالبی

سردبیر: مریم احقاقی

صفحه آرا: مریم اصغری

همکاران این شماره: اعظم السادات شیرازیها(دبیر)

پست الکترونیک: shahed83@sbu.ac.ir

وب سایت: <http://shahed.sbu.ac.ir>

تلفن: ۲۲۴۳۱۸۸۳ _ نمابر: ۲۲۴۳۱۸۸۴

۴ -	مناجات
۵ -	سخن سردبیر
۶ -	اخبار
۸ -	تابلو اعلانات
۱۲ -	روز جمهوری اسلامی
۱۴ -	ستاره
۱۶ -	شبه باران
۱۸ -	امام خمینی
۲۳ -	صیاد شیرازی
۲۶ -	شهید چمران
۲۸ -	از ایران تا ایران
۳۰ -	مبعث
۳۱ -	حضرت علی(ع)
۳۴ -	اعجاز قرآن
۳۶ -	ولادت حضرت زهرا(س)
۳۷ -	قدر
۴۰ -	در گذر زمان



مناجات

خدایا، مرا دلی ده که شوقش آن را به تو نزدیک سازد و زبانی عطا بخش که راستیش آن را به سویت
فرا آورد.

بارالها، من بنده‌ی ناتوان و گنه‌کار تو هستم، اما از آنانم قرار مده که از آن‌ها روی گردانیده و بخشایش
را از آن‌ها دریغ نموده‌ای. الهی، مرا کمال رهایی به سوی خودت ارزانی دار و چشمان دل را با فروغ
نظاره به خود، روشنی بخش تا این که چشمان دل، حجاب‌های نورانی را درنوردد و به معدن عظمت
باریابد و جان‌های ما در شکوه قداستت معلق گردد.

الهی، مرا از آنانی قرار ده که صدایشان کردی و تو را اجابت کردند و به آنان نظری کرده و مدهوش
جلالت گشتند. هم آنانی که در نهان نجوایشان کردی و در عیان برایت به کار پرداختند.

خدایا، اگر غفلت مرا از آمادگی دیدارت بازداشته، اما امید به کرمات مرا بیدار ساخته است. اگر مجازات
بزرگت مرا به آتش دوزخ فرامی خواند، لیک پاداش سترگت مرا به بهشت دعوت می‌کند.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و از کسانی قرارم ده که دائماً در یاد تو هستند و هرگز پیمان
نمی‌شکنند و از سپاس تو غافل نبوده و امر تو را سبک نمی‌شمرند.

بارالها، مرا در روشنایی عزتت درآور تا تنها دل به معرفت تو بندم و از غیر تو روی گردانم و تنها خوف
تو را در دل داشته باشم، ای صاحب جلالت و کرم....



روز ملی فناوری هسته‌ای مبارکباد

توجه، شنیدنی و در خور تأمل است اینکه، در هر دوی این رویارویی‌ها، اهریمنان استعمار و استثمار به سرکردگی انگلستان و شیطان بزرگ (آمریکا)، ملت ایران را فاقد توانایی و صلاحیت لازم برای داشتن و بومی کردن این صنایع می‌دانستند و می‌دانند و همانگونه که در جنبش ملی شدن صنعت نفت، ملت ایران را با بهانه‌ی نداشتن صلاحیت به دادگاه‌های بین‌المللی کشاندند و این ملت مغرور را تهدید به تحریم نمودند، امروز هم با همین بهانه و متهم کردن ایرانیان به بی‌لیاقتی، تهدید به ارجاع موضوع به شورای امنیت و تحریم‌های احتمالی می‌کنند، غافل از آنکه با ملتی مقاوم و توانا و با همت طرف هستند که "سر به دار می‌دهند ولی تن به ذلت نمی‌دهند".

امروز جوانان ایران به پدران خود افتخار می‌کنند و با افتخار و غرور در برابر اهریمن فقر و ارتجاع غرب، سر را بالا می‌گیرند و استوار می‌ایستند و فردا فرزندان‌شان به آنها افتخار خواهند کرد و در برابر اهریمن سر را بالا خواهند گرفت و غرور آفرین خواهند ایستاد. انشاء...

“با آرزوی سربلندی ایرن اسلامی”
“سردبیر”

ح دود نیم قرن پیش در چنین روزهایی حادثه‌ای در تاریخ ایران به وقوع پیوست که برای نخستین بار همبستگی ملت ایران برای رسیدن به حقوقش را در برابر زیاده‌خواهی‌های بیگانگان به اثبات رساند.

"نهضت ملی شدن صنعت نفت" نه تنها اقدامی برای بهره‌برداری از منابع ملی در جهت تعالی کشور بود بلکه به نمادی از غرور و استقلال خواهی ملت ایران تبدیل شد. منابع ارزشمند نفتی ایران به عنوان سرمایه‌ای ملی در طول قرن بیستم تا انقلاب ملی شدن صنعت نفت همواره مورد سوء استفاده و چپاول بیگانگان قرار داشت و این برای ملت غیور و عدالتخواه ایران به شدت سنگین و غیر قابل قبول به نظر می‌رسید. همین مسئله سبب شد تا مردم برای استیفای حقوق پایمال شده‌ی خود، به حمایت از سیاستمداران عدالتخواه برخیزند و قدرتهای آن زمان دنیا را مجبور به کرنش در برابر اقتدار خود کنند و اکنون نیم قرن بعد، تاریخ مو به مو تکرار می‌شود و یکبار دیگر شاهد صف بندی اهریمنان و حاکمان خودخوانده‌ی جهان در برابر حقوق مسلم ملت ایران هستیم.

امروز "نهضت دستیابی به انرژی هسته‌ای" نه تنها برای بهره‌برداری از سوخت پاک و ارزان در جهت سرعت بخشیدن به پیشرفت و تعالی جامعه‌ی نمونه‌ی اسلامی برپا شده، بلکه تبدیل به فرصتی دیگر برای ابراز وجود ملت ایران و بر آوردن فریاد عدالت و برائت از اهریمنان شده است. این مسئله حقیقتاً امروز از یک مسئله‌ی فنی و یا حتی سیاسی خارج و تبدیل به یک مسئله و موضوع حیثیت ملی شده است همانطور که مسئله‌ی ملی شدن صنعت نفت بیش از آنکه مربوط به نفت و یا سیاست باشد یک موضوع حیثیتی بود. شباهتهای میان دو اتفاق یاد شده، یعنی "ملی شدن صنعت نفت" و "دستیابی به انرژی هسته‌ای"، انقدر فراوان است که باز شماری آنها حتی به صورت تیتروار به وقت و مجال بسیار بیشتری نیاز دارد، اما موردی که بسیار قابل



مراسم افتتاح طرح ضیافت اندیشه برگزار شد

مراسم افتتاحیه "طرح ضیافت اندیشه" با حضور حجت الاسلام والمسلمین محمد محمدیان مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دکتر احمد شعبانی رئیس دانشگاه، حجت الاسلام محمدعلی یوسفزاده، مسوول نهاد نمایندگی در دانشگاه شهید بهشتی، تنی چند از اساتید، روسای دانشکده‌ها، پژوهشکده‌ها و دانشجویان، شنبه بیست و سوم مرداد ماه در مرکز همایش‌های بین المللی دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد.

کسب رتبه اول مسابقات دانشجویی رشته آمار توسط تیم دانشگاه

در بخش تیم‌های برتر، دانشگاه شهید بهشتی با گروهی متشکل از: الهام دادمهر، پریسا پارسامرام و علی شریفی به سرپرستی دکتر احسان بهرامی سامانی رتبه اول را بدست آورد.

غرفه دانشگاه فرهنگیان گزیده همایش ایرانیان خارج از کشور

این مراسم در راستای تسهیل ارتباط ایرانیان مقیم خارج از کشور با ایران و آشنایی این عزیزان با امکانات و ظرفیتهای مراکز علمی، پژوهشی، صنعتی، فرهنگی و هنری برگزار شد. شایان ذکر است در مراسم اختتامیه دومین همایش ایرانیان خارج از کشور، غرفه دانشگاه شهید بهشتی به عنوان یکی از غرفه‌های برگزیده انتخاب شد.

تدارک ویژه برنامه‌های زیارتی وزارت عالی برای دانشجویان

دکتر خواجه سروی در حاشیه مراسم نمادین اعزام دانشجویان پسر به حج عمره، با بیان اینکه در برنامه‌های زیارتی خارج از کشور سه نوع زیارت عتبات عالیات عراق، سوریه و بقاء مفاخر در نظر گرفته شده است، گفت: برای این اساس در زمینه سفر عتبات عالیات عراق در تلاشیم که سهمیه این سفر را افزایش دهیم. در حال حاضر یک هزار و ۲۰۰ نفر در ماه اعزام می‌شوند که در صد دیم این ظرفیت به سه هزار نفر در ماه افزایش یابد.

مراسم افتتاحیه طرح ولایت در دانشگاه برگزار شد

مراسم افتتاحیه پانزدهمین دوره اردوی آموزشی طرح ولایت، ۲۳ تیرماه، با حضور دکتر احمد شعبانی رئیس دانشگاه شهید بهشتی و آیت‌الله مصباح‌یزدی رئیس موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در مسجد الزهراء (س) دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد.

دانشگاه بین‌المللی پانزدهمین المپیاد علمی دانشجویی کشور

شرکت کنندگان در این مرحله در ۱۶ رشته ریاضی، شیمی، زبان و ادبیات فارسی، الهیات و معارف اسلامی، علوم اقتصادی، حقوق، فیزیک، آمار، زیست شناسی، مهندسی برق، مهندسی عمران، مهندسی شیمی، مهندسی مکانیک، مهندسی کامپیوتر، مهندسی کشاورزی و طراحی صنعتی به رقابت با یکدیگر می‌پردازند. هشتمین آیین نکوداشت دانش‌آموختگان غیر ایرانی ۱۴ تیر در دانشگاه شهید بهشتی برگزار گردید.





امکان انتقال دانشجویان به محل سکونت خانوادگی

متمركز (مرحله اول) قرار گرفت.

جایگاه ایران در سه نمایه بین المللی مقالات علمی

رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران با اشاره به جایگاه کشور در رتبه بندی های بین المللی گفت: کشور ما در نمایه SCOPUS رتبه ۲۱ را در بین ۱۴۷ کشور دنیا، در ESI رتبه ۴۰ و همچنین در ISI رتبه ۳۴ را دارد.

اثر ایشی ظرفیت پذیرش کارشناسی ارشد بدون آزمون برای دانشجویان مستعد

مدیر کل دفتر گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری گفت: براساس تصویب شورای هدایت استعداد های درخشان، ظرفیت پذیرش بدون آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه ها افزایش یافت.

رئیس جمهوری و وزیر علوم و فناوری نمونه کشی و تجلیل کرد

مراسم تجلیل از دانشجویان نمونه سال ۸۸ دانشگاه های کشور، ۲۰ اردیبهشت با حضور رئیس جمهور برگزار شد.

تسهیلات وزارت علوم به متقاضیان تحصیل در خارج کشور

مدیرکل امور دانشجویان خارج وزارت علوم گفت: متقاضیان ادامه تحصیل در خارج از کشور با استفاده از امکانات شخصی در مقاطع تحصیلی بالاتر از کارشناسی می توانند با احراز شرایط مورد نیاز از تسهیلات وزارت علوم برخوردار شوند.

معاون دانشجویی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری از اجرای آئین نامه جدید نقل و انتقال دانشجویان از ابتدای مهر، برای انتقال دانشجویان به استان محل اقامت خانواده خود خبر داد.

محمود ملباشی گفت: براساس این آئین نامه که وزیر علوم، تحقیقات و فناوری به زودی آن را امضا می کند، هر دانشجویی در دانشگاه های دولتی، صرف نظر از رتبه آن دانشگاه و نمره کسب شده در آزمون ورودی، می تواند به هر منطقه از کشور که خانواده اش مستقر است، بدون هیچ مشکلی منتقل شود.

پروفسور عطاء الرحمن: کشوری با زیر کشوری های اسلامی در زمینه علم و فناوری است

پروفسور عطاء الرحمن، مسئول کمیته دائم همکاری های علمی و فناوری سازمان کنفرانس اسلامی با اشاره به اینکه ایران در زمینه علم و فناوری پیشرو در بین کشورهای اسلامی است اظهار داشت: ایران و ترکیه در بین کشورهای اسلامی در بالاترین رده علمی و فناوری هستند و کشور ایران رهبر کشورهای اسلامی در زمینه علم و فناوری است.

دانشجوی رشته برق دانشگاه شهید بهشتی جزء منتخبین آزمون معمرکز المپیاد مهندسی برق قرار گرفت

حمید حسینیان فر، دانشجوی رشته برق دانشگاه شهید بهشتی، جزء منتخبین آزمون متمرکز المپیاد مهندسی برق قرار گرفت. در پانزدهمین المپیاد مهندسی برق (کد رشته ۱۲۵۱) سال ۱۳۸۹، حمید حسینیان فر، دانشجوی رشته برق دانشگاه شهید بهشتی، در لیست منتخبین آزمون



تابلوپ اعلانات

اردوی یزد

این اردو در تاریخ ۸۹/۲/۲۸ و با حضور ۴۰ نفر از دانشجویان شاهد و ایثارگردانشگاه شهید بهشتی و موسسات غیر انتفاعی و کارمندان شاهد دانشگاه و همکاران ستاد شاهد و مبلغ (سرکار خانم سلامت) برگزار گردید. تمام برنامه های بازدید در سه روز گنجانده شد. روز ۲۹ اردیبهشت ابتدا از ستاد شاهد دانشگاه یزد و رئیس ستاد آقای دکتر مدرسی دیدار بعمل آمد سپس برنامه بازدید از میدان امیر جخماق، موزه آئینه و روشنایی، موزه آب، حمام خان، آتشکده، باغ دولت آباد، مدرسه ضیائییه معروف به زندان اسکندر شروع و در ادامه روز دوم از مسجد جامع یزد و بافت تاریخی شهرستان میبد از جمله یخچال، کاروانسرا، موزه زیلو، نارین قلعه و امام زاده خدیجه خاتون بازدید شد. آخرین روز در گلزار شهدای شهرستان مهریز از بقعه شهید غلامعلی زارع بیدکی دانشجوی رشته حقوق دانشگاه شهید بهشتی دیدار شد و با سخنرانی خانم زاهدی معاونت ستاد شاهد و ایثارگر در مورد بیوگرافی شهید با قرائت فاتحه ای روح شهید را گرمی داشتیم. مراسم اختتامیه در پایگاه مقاومت بسیج شهید مدنی با سخنرانی آقای منظمی راوی ۸ سال دفاع مقدس برگزار و اردو به پایان رسید.

اردوی سورییه و لبنان

در تاریخ ۸۹/۴/۱۱، ۳۵ نفر از دانشجویان و کارکنان شاهد و ایثارگر به همراه خانواده هایشان به سفر زیارتی - سیاحتی سوریه و لبنان به مدت ۱ هفته مشرف شدند. اماکن تاریخی و زیارتی بازدید شده در سوریه عبارت بودند از: میدان مرجع، بازار حمیدیه، حرم حضرت رقیه، حرم حضرت زینب، مسجد اموی، مقبره حجر بن عدی، قبرستان باب الصغیره (که قبر بلال حبشی، ام سلمه، حضرت سکینه، ام کلثوم و پسر امام سجاد در آنجا قرار دارد) و مقام حضرت هابیل.

اماکن تاریخی و زیارتی بازدید شده در لبنان نیز عبارت بودند از: مسجد سید عباس موسوی، مقبره شیث نبی (جانشین حضرت آدم)، مقبره سیده خوله دختر امام حسین (ع)، موزه حزب اله، مرز لبنان ورژیم غاصب صهیونیستی، حدیقه ایران، قبرستان روستای قانا، کمپ بیروت، معرفی مجلس بیروت، مسجد رفیق حریری و قبر او و همراهانش، منطقه جونیه (محلّه مسیحی نشین)، تلکابین و مسجد امام صادق (ع). در این سفر نشستی نیز با سفیر ایران در لبنان برگزار گردید که در این نشست دانشجویان با موقعیت سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی لبنان آشنا گشته و سوالات خود پیرامون روابط ایران و لبنان را با سفیر در میان گذاشتند.





حما کرد ستاد امور شاهد و ایثارگر در سال ۱۳۸۸

۱- واحد آموزشی:

- برگزاری کلاس های درسی ترم تابستانی (۱۰۶ کلاس)
- برگزاری کلاس های تقویتی (۱۱۰ کلاس)
- برگزاری جلسات مشاوره اعم از آموزشی و غیر آموزشی

۲- واحد رفاهی و معیشتی:

- خرید وسایل کمک آموزشی برای دانشجویان (۲۰۰ نفر)
- پرداخت بن کتاب به دانشجویان (۴۲۰ نفر)
- پرداخت کمک شهریه به دانشجویان (۱۵۵ نفر)
- پرداخت کمک هزینه پایان نامه (۵۱ نفر)
- پرداخت کمک های نقدی بلاعوض (۳۰ نفر)

تشکیل جلسات ستاد امور شاهد و ایثارگر

در بهار ۸۹، جلسات شماره ۲۵۳، ۲۵۴ و ۲۵۵ ستاد امور شاهد و ایثارگر به منظور بررسی تقاضا و مشکلات آموزشی و تحصیلی دانشجویان شاهد و ایثارگر برگزار شد که طی آنها ۴۹ پرونده (تبصره الحاقی به ماده های ۱۲، ۱۶، ۳، ۲۶، ۱۴، مرخصی تحصیلی، سنوات و...) مورد بررسی قرار گرفت. در این جلسات در خصوص پرونده های ۳۷ نفر دانشجوی مقطع کارشناسی و ۱۲ نفر دانشجوی کارشناسی ارشد و دکتری تصمیم گیری شد.



لوردی کردی و ایثار لیگلی

تاریخ ۸۹/۲/۲۰، روستای ایگل واقع در شرق تهران. این اردو به منظور اشاعه فرهنگ ورزش و سخت کوشی و ایجاد نشاط و شادابی در بین دانشجویان شاهد و ایثارگر برگزار گردید. واحد تربیت بدنی دانشجویان شاهد و ایثارگر اقدام به برگزاری این اردو نمود. در این اردو ۳۰ نفر از دانشجویان شاهد و ایثارگر متشکل از ۱۹ دختر و ۱۱ پسر به همراه مربی و سرپرستشان آقای مرتضی صالحی و آقای سید مصطفی میرزائی حضور داشتند.





آمار دانشجویان شاهد و ایثارگر ورودی سال ۱۳۸۸

کل دانشجویان شاهد و ایثارگر	کارشناسی	ارشد	دکتری
۱۶۷	۱۱۲	۵۲	۳

آمار کلاس های تقویتی سعاد و دانشجویان شرکت کننده در کلاس ها در سال ۱۳۸۸

کلاسها	تعداد کلاس	تعداد مدرسین	تعداد دانشجویان
کلاس تقویتی	۱۱۰	۱۱۲	۱۹۲

دانشجویان تفرات اول شاهد و ایثارگر در نیمسال اول ۸۸-۸۷ به تشکیل دانشکده

ردیف	نام و نام خانوادگی	رشته	دانشکده	مقطع	معدل نیمسال
۱	فرانک اسمعیلی	معماری	معماری	کارشناسی	۱۸/۴۰
۲	زینب امیری	معماری	معماری	کارشناسی ارشد	۱۸/۲۳





۳	شیما مهرور	مهندسی برق	مهندسی برق و کامپیوتر	کارشناسی	۱۶/۷۲
۴	سیده فاطمه بقایی	علوم تربیتی	علوم تربیتی و روانشناسی	کارشناسی	۱۸/۵۶
۵	هانیه خوش سیما	خانواده‌درمانی	علوم تربیتی و روانشناسی	ارشد	۱۹/۰۵
۶	محمد امین محمدی	حقوق	حقوق	کارشناسی	۱۹/۰۰
۷	عصمت گلشنی	حقوق خصوصی	حقوق	ارشد	۱۸/۲۵
۸	مریم خلیلی سلامت بخش	تاریخ	ادبیات و علوم انسانی	کارشناسی	۱۸/۷۴
۹	مریم بیات	ایران شناسی	ادبیات و علوم انسانی	ارشد	۱۸/۴۵
۱۰	مهدی ریاضت	جغرافیای انسانی	علوم زمین	کارشناسی	۱۸/۰۰
۱۱	علی شریفی	آمار	علوم ریاضی	کارشناسی	۱۸/۸۱
۱۲	ملیح‌مسادات حسینی	زیست‌مولکولی	علوم زیستی	کارشناسی	۱۷/۶۶
۱۳	فاطمه حاجی شعبانها	شیمی آلی	علوم	ارشد	۱۷/۳۴



روز جمهوری اسلامی



۱۲ فروردین روز شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی و از مهمترین اعیاد ملی ایران است. تشکیل نظام جمهوری اسلامی در دوازدهم فروردین ۱۳۵۸ که در پی برگزاری referendum عمومی در دو روز پیاپی دهم و یازدهم فروردین اعلام شد، مهمترین رویداد سیاسی در ایران، پس از پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ محسوب می‌شود.

نام «جمهوری اسلامی» که از سوی امام خمینی بر نظام سیاسی حاکم بر کشور نهاده شد نیز قابل تأمل است. این عبارت ترکیبی است از دو کلمه جمهوری به معنای حکومتی که مردم آن را به وجود آورده‌اند و اسلامی به معنی ریشه و ماهیت دینی نظام و جهت‌دهنده اصلی حکومت جمهوری اسلامی به معنی حکومتی است که با الهام از تعالیم دینی و با اراده مردم شکل گرفته است. واژه «اسلامی»، متمایز کننده حکومت جمهوری حاکم بر ایران از سایر نظامهای جمهوری متداول در جهان است. هدف این است که در این نظام، ارزشهای الهی و قرآنی بر تمامی شئون حاکمیت داشته باشد و ولی فقیه، ولایت امر و امامت امت را بر عهده گیرد و علاوه بر تأمین زندگی مردم مسئولیت هدایت آنها و کمک به رشد و تعالی ایشان را نیز بر عهده داشته باشد.

از این رو عبارت ترکیبی «جمهوری اسلامی» جامع‌ترین عنوانی است که بر یک نظام مردمی متکی بر مبانی اسلامی نهاده شده است. آنچه که در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ شکل گرفت نیز اولین حکومتی است که در ایران با این مختصات موجودیت خود را در فضای سیاسی دنیای امروز اعلام کرد. از این رو توفیق در برقراری چنین نظامی آن هم در کشوری که در طول تاریخ چند هزار ساله خود همواره در سلطه شاهان وابسته به بیگانه قرار داشته یک امتیاز بزرگ برای انقلاب اسلامی ایران به حساب می‌آید.

در آستانه برگزاری referendum «جمهوری اسلامی» امام خمینی در پیامی دو نکته اساسی را متذکر شدند. یکی ضرورت شرکت همه جانبه مردم در referendum با توجه

به شرایط سیاسی حساس ایران و کمین دشمنان اسلام و دیگری آزاد بودن عموم مردم در انتخاب نظام دلخواهشان.

در بخش‌هایی از این پیام آمده است:

«... این referendum سرنوشت ملت ما را تعیین می‌کند. این referendum یا شما را به آزادی و استقلال می‌کشانند و یا مثل سابق، به اختناق و پیوستگی به غیر. این referendum چیزی است که همه باید در آن شرکت کنند... شما می‌توانید هر فرمی را که می‌خواهید انتخاب کنید... شما حق دارید و می‌توانید که در این ورقه جمهوری دمکراتیک را بنویسید، رژیم سلطنتی یا هر چه را می‌خواهید بنویسید. در این مورد مختار هستید.»

این اوج اعتماد به نفس امام بود که در شرایطی که فقط ۵۰ روز از پیروزی انقلاب می‌گذشت و دشمنان داخلی و خارجی انقلاب، همه جا در کمین بودند، خاضعانه از مردمی که این انقلاب را به پا کرده‌اند، خواست باز به میدان بیایند و هویت آینده کشور خود را با اراده خویش رقم بزنند. پاسخ صریح مردم نیز دلگرم کننده بود. گرچه همه می‌دانستند آرمان مردم چیست. چرا که هیچکس فریاد مردم را در صحنه‌های پرشکوه انقلاب اسلامی فراموش نکرده بود، اما در عین حال در آن زمان این سؤال مطرح بود که آیا مردم در مرحله تثبیت نظام مورد نظر خود همچنان پابرجا هستند؟ آیا در پای صندوقهای رای حضور خواهند یافت؟ و آیا آرایشان با انقلابشان همسو خواهد بود؟ بسیاری از محافل خبری جهان به ویژه رادیو بی‌بی‌سی، منابع خبری امریکا و رادیو رژیم صهیونیستی، موضوع حضور مردم در referendum و یا نوع آراء آنان را زیر سؤال برده بودند.

امام خمینی نه تنها از این خطرات و تهدیدات نهراسیدند بلکه با شناختی که از مردم داشتند، آنان را در گزینش نظام دلخواهشان آزاد گذاردند و تنها برای ایفای نقش رهبری خود بر جامعه و انقلاب، تأکید کردند «من به جمهوری اسلامی رأی می‌دهم» و در جای دیگری به کسانی که نیات، مقاصد و افکار دیگری در سر



داشتند، صریحاً هشدار دادند که «مردم تنها یک چیز را می‌خواهند: جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد.»

رمز و راز پیروزی انقلاب و تداوم آن در همین عبارت نهفته است. امام هیچگاه برای خشنود کردن این و آن، چیزی را «هم عرض» اسلام قرار ندادند و برای نگهداشتن نیروهایی که به اسلام نمی‌اندیشیدند، از آرمان مردم که همان اجرای احکام اسلامی بود، صرف‌نظر نکردند. یکی از نکاتی که امام اصرار داشت توسط مسئولان نظام جمهوری اسلامی رعایت شود، این بود که به گونه‌ای عمل کنند که نهضتها و حرکت‌های آزادیبخش در جهان اسلام تصور نکنند که می‌توان «اسلامی بودن» را با سایر اندیشه‌ها و مشرب‌های سیاسی و فکری، درهم آمیخت. امام تأکید داشت که مسئولان باید سعی کنند صرفاً اسلامی بیندیشند و در چارچوب اندیشه‌های اسلامی به تمهید امور بپردازند.

در هر حال مردم در همه پرس‌و‌پرسی تعیین هویت سیاسی آینده کشور فعالانه شرکت کردند و ۹۸/۲ درصد آنان به نظام جمهوری اسلامی رأی دادند.

امام خمینی در صبحگاه ۱۲ فروردین، علاوه بر تبریک به مردم به دلیل برقراری نظام جمهوری اسلامی، ماهیت و ویژگی‌های این نظام را نیز بر شمردند. گرچه نزدیک به سه دهه از صدور آن پیام می‌گذرد ولی همچنان باید از آن به عنوان «منشور نظام جمهوری اسلامی» یاد کرد. بخش‌هایی از سخنرانی امام (ره) چنین است:

در جمهوری اسلامی باید تمام مسایلی که در ایران است متحول بشود. در جمهوری اسلامی باید دانشگاه‌ها متحول بشوند؛ دانشگاه‌های وابسته، به دانشگاه‌های مستقل متبدل بشود. فرهنگ ما باید متبدل بشود؛ فرهنگ استعماری، فرهنگ استقلالی بشود. دادگستری ما باید متحول بشود؛ دادگستری غربی به دادگستری اسلامی متبدل بشود. اقتصاد ما باید متحول بشود؛ اقتصاد وابسته به اقتصاد مستقل متبدل بشود. تمام چیزهایی که در حکومت طاغوت بود و به تبع اجانب در این مملکت ضعیف، در این مملکت زیر دست، پیاده شده بود با استقرار حکومت اسلامی و حکومت جمهوری اسلامی تمام اینها باید زیر و رو بشود. باید مردم خودشان را اصلاح بکنند. طبقات مختلف به طبقات پایین ظلم

نکنند. باید حق فقرا، حق مستمندان داده بشود. تمام اینها در جمهوری اسلامی باید عمل بشود. اگر دولتی را دید که خلاف می‌کند، ملت باید تودهنی به او بزند. اگر چنانچه دستگاه جابری را دید که می‌خواهد به آنها ظلم کند، باید شکایت از او بکنند و دادگاه‌ها باید دادخواهی بکنند؛ و اگر نکردند خود ملت باید دادخواهی بکند، برود توی دهن آنها بزند. باید بازار ما بازار اسلامی باشد؛ بازار ما از بی‌انصافی باید شستشو بشود. باید دولت ما و همه دولتهایی که بعدها می‌آیند همه روی موازین اسلامی باشد، وزارتخانه‌ها روی موازین اسلامی باشند، ادارات دولتی روی موازین اسلامی باشند. باید مملکتی که رنگ طاغوت دارد مبدل بشود به مملکتی که رنگ الله دارد. باید مملکت طاغوتی به مملکت الهی تبدیل شود.

در جمهوری اسلامی ظلم نیست. در جمهوری اسلامی اینطور مسایلی که زورگویی باشد نیست. نمی‌تواند طبقه غنی بر طبقه فقیر زور بگوید، نمی‌تواند استثمار کند. من به همه اقشار ملت - به تمام - عرض می‌کنم که در اسلام هیچ امتیازی بین اشخاص غنی و غیر غنی، اشخاص سفید و سیاه، گروه‌های مختلف، سنی و شیعه، عرب و عجم و ترک و غیر ترک - به هیچ وجه - امتیازی ندارند. قرآن کریم امتیاز را به عدالت و به تقوا دانسته است. کسی که تقوا دارد امتیاز دارد، کسی که روحیات خوب دارد امتیاز دارد؛ اما امتیاز به مادیات نیست، امتیاز به داراییها نیست. باید این امتیازات از بین برود؛ و همه مردم علی‌السواء هستند. همه در حقوق مساوی هستند. اقلیتهای مذهبی حقوقشان رعایت می‌شود؛ اسلام برای آنها احترام قائل هست. برای همه اقشار احترام قائل است.

دسته جاتی که زبانهای مختلف دارند، اینها همه برادرهای ما هستند و ما با آنها هستیم و آنها با ما هستند و همه اهل یک ملت و اهل یک مذهب هستیم.

امیدوارم که در هر سال روز «۱۲ فروردین» روز عید ملت ما باشد. ما به همه ملت تبریک عرض می‌کنیم و من این روز را بر ملت عزیز خودمان، به همه اقشارشان، تبریک عرض می‌کنم. مبارک باد بر شما این عید. مبارک باد بر شما این جمهوری اسلامی.





لطفاً خودتان را معرفی نمایید؟

من محمد امین محمدی فرزند سیف الدین جانباز و آزاده ، در تیرماه ۱۳۶۲ در شهر تبریز متولد شدم .

در سال ۸۶ در رشته علوم انسانی در کنکور سراسری شرکت کردم و با کسب رتبه ۵۲ شاهد در رشته حقوق دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شدم .

مهمترین رمز موفقیت شما از سال ۸۶ تا به حال چه بوده؟

اگر موفقیتی نصیبم شده باشد مهمترین آن توکل به خداوند است . به نظر من علاقه به رشته تحصیلی ، داشتن هدف در زندگی و پشتکار و تلاش از رموز موفقیت است .

پیام شما به فرزندان شاهد و ایثارگر چیست؟

ما فرزندان شاهد و ایثارگر باید ادامه دهنده راه پدرانمان باشیم ، پدرانی که الگوی ایثار ، آئینه عشق و مظهر پاکی و نجابتند و باید با رفتار و کردار خود یاد و نام شهیدان را





”برای فرزندان شاهد ، پدر فراتر از یک واژه زمینی است که با یک مرگ کمرنگ شده باشد“



زنده نگه داریم .

برای فرزندان شاهد ، پدر فراتر از یک واژه زمینی است
که با مرگ کمرنگ شده باشد.

انتظار شما از ستاد شاهد و امور ایثارگران چیست؟

ستاد شاهد برنامه های آموزشی ، علمی و فرهنگی
بسیار متنوع و مفیدی که در اختیار دانشجویان شاهد
و ایثارگر قرار داده گام موثری در جهت ارتقاء سطح
علمی و فرهنگی دانشجویان برداشته است.

بنده به عنوان دانشجویی که از مزایا و امکانات شاهد
و ایثارگران استفاده نموده ام ، به سایر دانشجویان شاهد
و ایثارگر توصیه می کنم که در فعالیت های ستاد شرکت
نموده و از برنامه های آموزشی ، علمی ، فرهنگی و
ورزشی استفاده نمایند ، چرا که مدیر و مسئولان این
ستاد تمام تلاش خود را جهت رفاه حال دانشجویان ،
امکانات و نیازهای علمی ، تحقیقی و حتی تفریحی به
نحو احسن بکار گرفته و این امر قابل تقدیر و تشکر
است .



شبیہ باران

شہدا شمع محفل پشیتند

بازدید از خانواده شهید سید علی آل شہیدی در تاریخ ۸۸/۱۲/۱۹ با حضور مسئولین ، همکاران و دانشجویان در مشهد مقدس انجام شد . شهید سید علی آل شہیدی در سال ۱۳۴۶ در مشهد مقدس چشم به جهان گشود و در خانواده ای متدین و فرهنگی پرورش یافت ، سید علی دانشجوی سال دوم رشته ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی بود. تاریخ شہادت ایشان ۱۳۶۷/۵/۱۴ و مکان شہادت ، اہواز و مقبرہ شہید در مشهد ، صحن آزادی ، بہشت ثامن الائمہ بلوک ۱۲۸ می باشد.

سید علی از قبیلہ شہیدان بود ، بہ آن قبلہ روی آورد و در آن معبد ، مقیم شد . او از تبار فقیہان بنام بود . جد اعلای او (محمد مہدی شہیدی) از شاگردان پیر آوازہ آیت الہ وحید بہبہانی بود. او فرزند انقلاب بود، در آن روئید و بہ آن وفادار ماند.

از طفولیت با مجالس دعا و عبادت آشنا شد . فرزند این محافل بود و حلاوت خلوت انس را از کودکی در کام داشت . این تقیدات در سنین نوجوانی بذر رفعت مقام را پدید آورد .



شہید سید علی آل شہیدی



قرآنی از وصیت نامه شهید والا مقام سید علی آل شهید

۹۹
خدایا می دانم چیزی ندارم ، سبکبارم ، اندوخته ای ندارم ، آنچه دارم از فضل توست و از
عنایت اولیای تو، بالاخص مادرم فاطمه الزهرا (س) که در مشکلات من را یاری داده است و از
۶۶
ورطه های هلاکت نجاتم داده است و در راه سعادت من ، دستگیری کرده است.





امام خمینی (ره) از ولادت تا رحلت

خانم (که بانویی شجاع و حق‌جو بود سپری کرد اما در سن ۱۵ سالگی از نعمت وجود آن دو عزیز نیز محروم گردید .

هجرت به قم، تحصیل دروس تکمیلی و تدوین عالم اسلامی

اندکی پس از هجرت آیه الله العظمی حاج شیخ عبد‌الکریم حایری یزدی - رحمه الله علیه - (نوروز ۱۳۰۰ هجری شمسی، مطابق با رجب المرجب ۱۳۴۰ هجری قمری) امام خمینی نیز رهسپار حوزه علمیه قم گردید و به سرعت مراحل تحصیلات تکمیلی علوم حوزوی را نزد اساتید حوزه قم طی کرد. که می‌توان از فرا گرفتن تتمه مباحث کتاب مطول (در علم معانی و بیان) نزد مرحوم آقا میرزا محمد علی ادیب تهرانی و تکمیل دروس سطح نزد مرحوم آیه الله سید محمد تقی خوانساری و بیشتر نزد مرحوم آیه الله سید علی یشربی کاشانی و دروس فقه و اصول را نزد زعیم حوزه قم آیه الله العظمی حاج شیخ عبد‌الکریم حایری یزدی - رضوان الله علیهم نام برد . پس از رحلت آیه الله العظمی حایری یزدی تلاش امام خمینی به همراه جمعی دیگر از مجتهدین حوزه علمیه قم به نتیجه رسید و آیه الله العظمی (رض) به عنوان زعیم حوزه علمیه عازم قم گردید. در این زمان، امام خمینی به عنوان یکی از مدرسین و مجتهدین صاحب رای در فقه و اصول و فلسفه و عرفان و اخلاق شناخته می‌شد . حضرت امام طی سالهای طولانی در حوزه علمیه قم به تدریس چندین دوره فقه، اصول، فلسفه و عرفان و اخلاق اسلامی در فیضیه، مسجد اعظم، مسجد محمدیه،

در روز بیستم جمادی الثانی ۱۳۲۰ هجری قمری مطابق با ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ هجری شمسی (۲۴ سپتامبر ۱۹۰۲ میلادی) در شهرستان خمین از توابع استان مرکزی ایران در خانواده‌ای اهل علم و هجرت و جهاد و در خاندانی از سلاله زهرای اطهر سلام الله علیها، روح الله الموسوی الخمینی پای بر خاکدان طبیعت نهاد .

او وارث سجایای آباء و اجدادی بود که نسل در نسل در کار هدایت مردم و کسب معارف الهی کوشیده‌اند. پدر بزرگوار امام خمینی مرحوم آیه الله سید مصطفی موسوی از معاصرین مرحوم آیه الله العظمی میرزای شیرازی (رض) که پس از آنکه سالیانی چند در نجف اشرف علوم و معارف اسلامی را فرا گرفته و به درجه اجتهاد نایل آمده بود به ایران بازگشت و در خمین ملجأ مردم و هادی آنان در امور دینی بود. در حالیکه بیش از ۵ ماه از ولادت روح الله نمی‌گذشت، طاغوتیان و خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت، ندای حق طلبی پدر را که در برابر زورگوئیهایشان به مقاومت برخاسته بود، با گلوله پاسخ گفتند و در مسیر خمین به اراک وی را به شهادت رساندند. بستگان شهید برای اجرای حکم الهی قصاص به تهران (دار الحکومه وقت) رهسپار شدند و بر اجرای عدالت اصرار ورزیدند تا قاتل قصاص گردید.

بدین ترتیب امام خمینی از اوان کودکی با رنج یتیمی آشنا و با مفهوم شهادت روبرو گردید. وی دوران کودکی و نوجوانی را تحت سرپرستی مادر مومن‌ه اش (بانو هاجر) که خود از خاندان علم و تقوا و از نوادگان مرحوم آیه الله خوانساری (صاحب زبدة التصانیف) بوده است و همچنین نزد عمه مکرمه اش (صاحبه





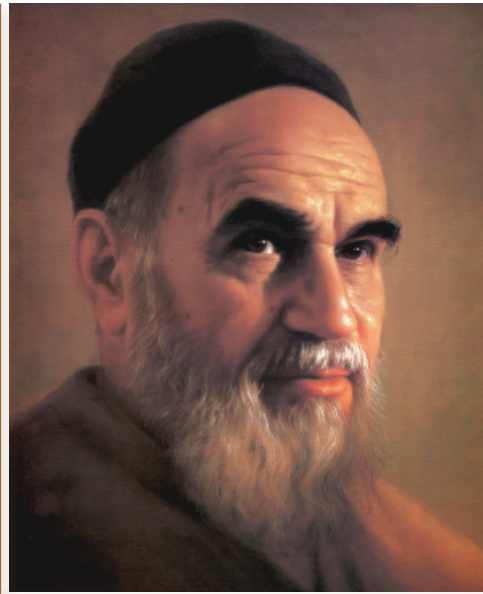
مدرسه حاج ملاصادق، مسجد سلماسی و ... همت گماشت و در حوزه علمیه نجف نیز قریب ۱۴ سال در مسجد شیخ اعظم انصاری (ره) معارف اهل بیت و فقه را در عالیترین سطوح تدریس نمود و در نجف بود که برای نخستین بار میانی نظری حکومت اسلامی را در سلسله درسهای ولایت فقیه بازگو نمود.

قیام ۱۵ خرداد

ماه محرم ۱۳۴۲ که مصادف با خرداد بود فرا رسید. امام خمینی از این فرصت نهایت استفاده را در تحریک مردم به قیام علیه رژیم مستبد شاه به عمل آورد. امام خمینی در عصر عاشورای ۱۳ خرداد سال ۱۳۴۲ شمسی در مدرسه فیضیه نطق تاریخی خویش را که آغازی بر قیام ۱۵ خرداد بود ایراد کرد.

در همین سخنرانی بود که امام خمینی با صدای بلند خطاب به شاه فرمود: آقا من به شما نصیحت می کنم، ای آقای شاه! ای جناب شاه! من به تو نصیحت می کنم دست بردار از این کارها، آقا

اغفال می کنند تو را، من میل ندارم که یک روز اگر بخواهند تو بروی، همه شکر کنند... اگر دیکته می دهند دستت و می گویند بخوان، در اطرافش فکر کن.... نصیحت مرا بشنو... ربط ما بین شاه و اسرائیل چیست که سازمان امنیت می گوید از اسرائیل حرف نزنید... مگر شاه اسرائیلی است؟ شاه فرمان خاموش کردن



قیام را صادر کرد. نخست جمع زیادی از یاران امام خمینی در شامگاه ۱۴ خرداد دستگیر و ساعت سه نیمه شب (سحرگاه پانزده خرداد ۴۲) صدها کماندوی اعزامی از مرکز، منزل حضرت امام را محاصره کردند و ایشان را در حالیکه مشغول نماز شب بود دستگیر و سراسیمه به تهران برده و در بازداشتگاه باشگاه افسران زندانی کردند و غروب آنروز به زندان قصر منتقل نمودند. صبحگاه پانزده خرداد خبر دستگیری رهبر انقلاب به تهران، مشهد، شیراز و دیگر شهرها رسید و وضعیتی مشابه قم پدید آورد.

نزدیکترین ندیم همیشگی شاه، تیمسار حسین فردوست در خاطراتش از بکارگیری تجربیات و همکاری زبده ترین مامورین سیاسی و امنیتی آمریکا برای سرکوب قیام و همچنین از سراسیمگی شاه و دربار و امرای ارتش و ساواک در این ساعات پرده برداشته و توضیح داده است که چگونه شاه و ژنرالهایش دیوانه وار فرمان سرکوب صادر می کردند.

امام خمینی، پس از ۱۹ روز حبس در زندان قصر به زندانی در پادگان نظامی عشرت آباد منتقل شد.

با دستگیری رهبر نهضت و کشتار وحشیانه مردم در روز ۱۵ خرداد ۴۲، قیام ظاهرا سرکوب شد. امام خمینی در حبس از پاسخ گفتن به سئوالات بازجویان، با شهامت و اعلام اینکه هیئت





تبعید امام خمینی (ره) از ترکیه به عراق

روز ۱۳ مهرماه ۱۳۴۴ حضرت امام به همراه فرزندشان آیه الله حاج آقا مصطفی از ترکیه به تبعیدگاه دوم، کشور عراق اعزام شدند. امام خمینی پس از ورود به بغداد

برای زیارت مرقداًمه اطهار(ع) به شهرهای کاظمین، سامرا و کربلا شتافت و یک هفته بعد به محل اصلی اقامت خود یعنی نجف عزیمت کرد.

دوران اقامت ۱۳ ساله امام خمینی در نجف در شرایطی آغاز شد که هر چند در ظاهر فشارها و محدودیتهای مستقیم در حدایران و ترکیه وجود نداشت اما مخالفتها و کارشکنیها و زخم‌زبانها نه از جبهه دشمن رویاروی بلکه از ناحیه روحانی نمایان و دنیا خواهان مخفی شده در لباس دین‌آچنان گسترده و آزاردهنده بود که امام با همه صبر و بردباری معروفش بارها از سختی

شرایط مبارزه در این سالها به تلخی تمام یاد کرده است. ولی هیچیک از این مصائب و دشواریها نتوانست او را از مسیری که آگاهانه انتخاب کرده بود باز دارد.

حاکمه در ایران و قوه قضائیه آنرا غیر قانونی و فاقد صلاحیت می داند، اجتناب ورزید. در شامگاه ۱۸ فروردین سال ۱۳۴۳ بدون اطلاع قبلی، امام خمینی آزاد و به قم منتقل می شود. به محض اطلاع مردم، شادمانی سراسر شهر را فرا می گیرد و جشنهای باشکوهی در مدرسه فیضیه و شهر به مدت چند روز بر پا می شود. اولین سالگرد قیام ۱۵ خرداد در سال ۱۳۴۳ با صدور بیانیه مشترک امام خمینی و دیگر مراجع تقلید و بیانیه های جداگانه حوزه های علمیه گرامی داشته شد و به عنوان روز عزای عمومی معرفی شد.

سحرگاه ۱۳ آبان ۱۳۴۳ دوباره کماندوهای مسلح اعزامی از تهران، منزل امام خمینی در قم را محاصره کردند. شگفت آنکه وقت باز داشت، همانند سال قبل مصادف با نیایش شبانه امام خمینی بود. حضرت امام بازداشت و به همراه نیروهای امنیتی مستقیماً به فرودگاه مهرآباد تهران اعزام و با یک فروند هواپیمای نظامی که از قبل آماده شده بود، تحت الحفظ مأمورین امنیتی و نظامی به آنکارا پرواز کرد. عصر امروز ساواک خبر تبعید امام را به اتهام اقدام علیه امنیت کشور! در روزنامه ها منتشر ساخت.

علی رغم فضای خفقان موجی از اعتراضها به صورت تظاهرات در بازار تهران، تعطیلی طولانی مدت دروس حوزه ها و ارسال طومارها و نامه ها به سازمانهای بین المللی و مراجع تقلید جلوه گر شد.

اقامت امام در ترکیه یازده ماه به درازا کشید در این مدت رژیم شاه با شدت عمل بی سابقه ای بقایای مقاومت را در ایران در هم شکست و در غیاب امام خمینی به سرعت دست به اصلاحات آمریکا پسند زد. اقامت اجباری در ترکیه فرصتی مغتنم برای امام بود تا تدوین کتاب بزرگ تحریر الوسيله را آغاز کند.



لوحه گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶ و قیام مردم

امام خمینی که به دقت تحولات جاری جهان و ایران را زیر نظر داشت از فرصت به دست آمده نهایت بهره برداری را کرد. او در مرداد ۱۳۵۶ طی پیامی اعلام کرد: اکنون به واسطه اوضاع داخلی و خارجی و انعکاس جنایات رژیم در مجامع و مطبوعات خارجی فرصتی است که باید مجامع علمی و فرهنگی و رجال وطنخواه و دانشجویان خارج و داخل و انجمنهای اسلامی در هر جایی بی درنگ از آن استفاده کنند و بی پرده بپا خیزند. شهادت آیه الله حاج آقا مصطفی خمینی در اول آبان ۱۳۵۶ و مراسم پر شکوهی که در ایران برگزار شد نقطه آغازی بر خیزش دوباره حوزه های علمیه و قیام جامعه مذهبی ایران بود. امام خمینی در همان زمان به گونه ای شگفت این واقعه را از الطاف خفیه الهی نامیده بود. رژیم شاه با درج مقاله ای توهین آمیز علیه امام در روزنامه اطلاعات انتقام گرفت. اعتراض به این مقاله، به قیام ۱۹ دی ماه قم در سال ۵۶ منجر شد که طی آن جمعی از طلاب انقلابی به خاک و خون کشیده شدند. شاه علی رغم دست زدن به کشتارهای جمعی نتوانست شعله های آفروخته شده را خاموش کند.

او بسیج نظامی و جهاد مسلحانه عمومی را به عنوان تنها راه باقیمانده در شرایط دست زدن آمریکا به کودتای نظامی ارزیابی می کرد.

هجرت امام خمینی (ره) از عراق به پاریس

در دیدار وزرای خارجه ایران و عراق در نیویورک تصمیم به اخراج امام خمینی از عراق گرفته شد. روز دوم مهر ۱۳۵۷ منزل امام در نجف بوسیله

قوای بعثی محاصره گردید انعکاس این خبر با خشم گسترده مسلمانان در ایران، عراق و دیگر کشورها مواجه شد.

روز ۱۲ مهر، امام خمینی نجف را به قصد مرز کویت ترک گفت. دولت کویت با اشاره رژیم ایران از ورود امام به این کشور جلوگیری کرد. قبلاً صحبت از هجرت امام به لبنان و یا سوریه بود اما ایشان پس از مشورت با فرزندشان (حجه الاسلام حاج سیداحمد خمینی) تصمیم به هجرت به پاریس گرفت. در روز ۱۴ مهر ایشان وارد پاریس شدند.

و دو روز بعد در منزل یکی از ایرانیان در نوفل لوشاتو (حومه پاریس) مستقر شدند. امام خمینی در دیماه ۵۷ شورای انقلاب را تشکیل داد. شاه نیز پس از تشکیل شورای سلطنت و اخذ رای اعتماد برای کابینه بختیار در روز ۲۶ دیماه از کشور فرار کرد. خبر در شهر تهران و سپس ایران پیچید و مردم در خیابانها به جشن و پایکوبی پرداختند.

بازگشت امام خمینی (ره) به ایران پس از ۱۲ سال تبعید

اوایل بهمن ۵۷ خبر تصمیم امام در بازگشت به کشور منتشر شد. هر کس که می شنید اشک شوق فرو می ریخت. مردم ۱۴ سال انتظار کشیده بودند. اما در عین حال مردم و دوستان امام نگران جان ایشان بودند چرا که هنوز دولت دست نشانده شاه سر پا و حکومت نظامی بر قرار بود. اما امام خمینی تصمیم خویش را گرفته و طی پیامهایی به مردم ایران گفته بود می خواهد در این روزهای سرنوشت ساز و خطیر در کنار مردمش باشد. دولت بختیار با هماهنگی ژنرال هایزر فرودگاههای کشور را به روی پروازهای خارجی بست.





دولت بختیار پس از چند روز تاب مقاومت نیاورد و ناگزیر از پذیرفتن خواست ملت شد. سرانجام امام خمینی صبح ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ پس از ۱۴ سال دوری از وطن وارد کشور شد. استقبال بی سابقه مردم ایران چنان عظیم و غیر قابل انکار بود که خبرگزاریهای غربی نیز ناگزیر از اعتراف شده و مستقبلین را ۴ تا ۶ میلیون نفر برآورد کردند.

روحیات امام خمینی (ره) وصال یاری فراقی یاران

امام خمینی هدفها و آرمانها و هر آنچه را که می بایست ابلاغ کند ، گفته بود و در عمل نیز تمام هستیش را برای تحقق همان هدفها بکار گرفته بود. اینک در آستانه نیمه خرداد سال ۱۳۶۸ خود را آماده ملاقات عزیزی می کرد که تمام عمرش را برای جلب رضای او صرف کرده بود و قامتش جز در برابر او ، در مقابل هیچ قدرتی خم نشده و چشمانش جز برای او گریه نکرده بود.



سرانجام امام خمینی صبح ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ پس از ۱۴ سال دوری از وطن وارد کشور شد. استقبال بی سابقه مردم ایران چنان عظیم و غیر قابل انکار بود که خبرگزاریهای غربی نیز ناگزیر از اعتراف شده و مستقبلین را ۴ تا ۶ میلیون نفر برآورد کردند.

امیر سر لشکر

صیاد شیرازی

در بامداد ۲۱ فروردین ۱۳۷۸، امیر شهید علی صیاد شیرازی در حال خروج از منزل، به وسیله ی منافقین مسلح در پوشش رفتگر، در برابر دیدگان فرزندش به شهادت رسید و منافقین کوردل، رسماً مسؤولیت این جنایت هولناک را به عهده گرفتند.

زندگی فانی

شهید در سال ۱۳۲۳، در شهرستان درگز دیده به جهان گشود و در سال ۱۳۴۶، موفق به اخذ درجه کارشناسی از دانشگاه افسری شد و سپس در بخش های مختلف ارتش، به ویژه در غرب کشور به وظیفه ی پاسداری از کشور پرداخت. وی پس از طی دوره ی تخصص تویخانه به عنوان استاد، در مرکز آموزش تویخانه اصفهان، مشغول به تدریس شد.

شهید صیاد شیرازی در سازماندهی نیروهای انقلابی ارتش نقش بسزایی داشت و پس از پیروزی انقلاب، در بحبوحه ی غائله سال ۱۳۵۸ ضد انقلاب در کردستان، به فرماندهی عملیات شمال غرب کشور برگزیده شد و در پاکسازی کردستان به همراه شهید دکتر چمران و دیگر رزمندگان غیور اسلام نقش مهمی ایفا نمود. پس از خلع بنی صدر، برای پایان دادن به ناهماهنگی ارتش و سپاه، قرارگاه مشترک عملیاتی سپاه و ارتش را راه اندازی کرد.

حکم انتصاب به فرماندهی نیروی زمینی

پس از شهادت سرلشکروالی الله فلاحتی، امیر متعهد، شجاع و فداکار ارتش، که پس از پیروزی انقلاب اسلامی نقش ارزنده ای در حفظ انسجام نیروی زمینی ارتش و نیز سازماندهی واحدهای آن داشت و تاهنگام

شهادت در جهت حفظ روحیه و توان رزمی نیروهای تحت فرماندهی خود از کردستان تا خوزستان لحظه ای نیاסود؛ در ۹ مهر ۱۳۶۰، با درجه سرهنگی با حکم امام خمینی (قدس سره) به عنوان فرمانده ی نیروی زمینی ارتش منصوب شد.

درخواست انتصاب شهید صیاد شیرازی با پیشنهاد رییس شورای عالی دفاع به شرح زیر صورت گرفت: محضر شریف فرماندهی کل حضرت امام خمینی مدظله العالی. با توجه به انتصاب تیمسار ظهیرنژاد به سمت ریاست ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران به موجب مصوبه شورای عالی دفاع در جلسه ی فوق العاده نهم مهرماه ۱۳۶۰ بر اساس بند "د" اصل ۱۱۰ قانون اساسی، جناب سرکار سرهنگ علی صیاد شیرازی، فرمانده عملیات شمال غرب به عنوان فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران خدمت حضرتعالی پیشنهاد می گردد. رییس شورای عالی دفاع: اکبر هاشمی رفسنجانی نهم مهرماه ۱۳۶۰

امام خمینی قدس سره می افتد خی و راه به شرح زیر اعلام فرمی دند

بسمه تعالی
موافقت می شود.

روح الله الموسوی الخمینی

شهید صیاد شیرازی، امیر سرفراز ارتش اسلام با توانی شگفت و روحیه ای کم نظیر در سلسله عملیات پیروزمند ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس، رمضان، مسلم بن عقیل، مطلع الفجر، محرم، والفجر ۱، ۲، ۳، ۴، ... خیبر و بدر فرماندهی نیروهای





نیز در هر مقامی باشد، موفق به ادامه ی خدمت های ارزنده خود بشود....

شهید سپهبد صیاد شیرازی در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۶، از سوی امام قدس سره به دریافت درجه ی سرتیپی نایل آمد. امیر شجاع ارتش اسلام در مهر ۱۳۶۸، بنا به درخواست رییس ستاد کل نیروهای مسلح، و با موافقت ستاد کل و در شهریور ۱۳۷۲ به سمت جانشین ریاست ستاد کل نیروهای مسلح منصوب شد.

شهید شجاع و ارجمند ارتش جمهوری اسلامی ایران، در ۱۶ فروردین ۱۳۷۸، همزمان با عید خجسته ی غدیرخم به درجه سرلشکری نایل آمد و چند روز بعد، با افتخار شهادت، به درجه ی سپهبدی ارتقا یافت.

شهید صیاد شیرازی پس از دریافت درجه ی سرلشکری خطاب به خانواده اش می گوید: بسیار شاد و خرسندم؛ البته نه به خاطر دریافت این درجه، بلکه به خاطر رضایتی که امید دارم امام

زمان(عج) و مقام معظم رهبری از من داشته باشند. مقام، درجه و اسم و رسم در نظر من هیچ جایگاهی ندارد.

ارتش را بر عهده داشت و در ۲۳ تیر ۱۳۶۵، به فرمان امام خمینی قدس سره به عضویت شورای عالی دفاع منصوب شد.

در متن حکم امام خطاب به آن شهید گرانقدر چنین آمده بود:

برای فعال کردن هر چه بیشتر و بهتر قوای مسلح کشور ضرورت دارد از تجربه ی اشخاصی که در متن مسایل جنگ بوده اند، استفاده هر چه بیشتر بشود؛ بدین سبب سرکار سرهنگ صیاد شیرازی، و وزیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تا پایان جنگ به عضویت شورای عالی دفاع منصوب می

نمایم.

با توجه به مسؤولیت خطیر شهید صیاد شیرازی در شورای عالی دفاع، بنا به درخواست ریاست آن شورا و موافقت امام خمینی قدس سره، شهید بزرگوار (در مرداد ۱۳۶۵) در شورای عالی دفاع مشغول انجام وظیفه شد و مسؤولیت فرماندهی نیروی زمینی ارتش به سرتیپ حسنی سعدی واگذار گردید.

حضرت امام خمینی قدس سره در حکم فرمانده جدید نیروی زمینی ارتش پیرامون خدمات شهید سرافراز ارتش چنین فرمودند:

با تقدیر از زحمت های طاقت فرسای سرکار سرهنگ صیادشیرازی که با تعهد کامل به اسلام و جمهوری اسلامی، در طول دفاع مقدس از هیچ گونه خدمتی به کشور اسلامی خودداری نکرده و امید است در آینده





قصت‌هایی از وصیت‌نامه‌ی شهید سپید صیاد شیرازی

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و سلم.
انا لله و انا اليه راجعون

99

هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله. اللهم زدنا ايماناً و ارحمنا. اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله ارسله بالهدى و دين الحق و ان الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين و ان علياً امير المؤمنين و الحسن و الحسين و على بن الحسين و محمد بن على و جعفر بن محمد و موسى بن جعفر و على بن محمد بن محمد و الحسن بن على و الحجة القائم المنتظر صلوة الله و سلامه عليهم ائمتي و سادتي و موالى بهم اتولى و من اعدائهم اتبرء و ان الموت و النشور حق و الساعة آتية لا ريب فيها و ان الجنة و النار حق.

اللهم ادخلنا جنتك و برحمتك و جنّ بنا و احفظنا من عذابك بلطفك و احسانك يا لطيفاً بعباده يا ارحم الراحمين.



خداوندا! این تو هستی که قلبم را مالا مال از عشق به راحت، سلامت، نظامت و ولایت قرار دادی؛
خدایا! تو خود می دانی که همواره آماده بوده ام آن چه را که تو خود به من دادی در راه عشقی که به راحت دارم نثار کنم. اگر جز این نبودم آن

هم خواست تو بود.
پروردگارا رفتن در دست توست، من نمی دانم چه موقع خواهم رفت ولی می دانم که از تو باید بخواهم مرا در رکاب امام زمانم قرار دهی و آن قدر با دشمنان قسم خورده دینت بچنگم تا به فیض شهادت برسم.

خداوندا ولی امرت حضرت آیت الله خامنه ای را تا ظهور حضرت مهدی (عج)، زنده، پاینده و موفق بدار. ۶۶

آمین یا رب العالمین
من الله التوفیق

علی صیاد شیرازی، ۱۹ دی ماه ۱۳۷۱ - ۱۵ رجب ۱۴۱۳



شپیدچمران



مسافر آسمان دهم

خانه قدیمی تر و معنوی تر از آن بود که می پنداشتیم. به منزل مرحوم حاج حسن چمران وارد شده ایم. او از سال ۱۳۳۰ با خانواده اش از ساوه به تهران مهاجرت کرد و در این خانه با همسر و فرزندان خود مستقر شد. حوضی که در وسط خانه جا خوش کرده و درختان بلند کنار حوض و گل های اطراف خانه، روایتگر ذوق سرشار حاج حسن است که جوراب باف بود و فرزندانش در این راه به او کمک می کردند.

خان دخیلدم و کتک خوردم

بوی چمران، سرمست مان کرده است که خود را در اتاق شمال شرقی خانه می بینیم؛ اتاقی با عنوان دوران کودکی و تحصیلی مصطفی. چند صندوقچه قدیمی در گوشه هایی از اتاقی که دستگاه جوراب بافی در وسط آن است، خودنمایی می کنند؛ اما قاب عکس ها چیز دیگری می گویند: گویا مصطفی چمران ساوهای متولد ۱۳۱۱،



نام پدر: حسن، نام مادر: صدیقه بیگم با شماره شناسنامه ۴۲۶۱ صادره از تهران برای ما از کودکی اش می گوید: «ماه رمضان بود. روزی یک تومان به من می دادند تا نان برای افطار بخرم. بعد از ظهر، در مسجد، فقری به من مراجعه کرد. از فقر خود گفت و من تنها سکه ام را به او دادم و موقع افطار بدون نان به خانه برگشتم. کتک مفصلی خوردم و نگفتم که پول را به فقیر داده ام. نمی خواستم حتی در غیاب او متنی بر سرش بگذارم.» کارنامه های تحصیلی مصطفی به ما لیخند می زند: از کلاس اول از سال تحصیلی ۱۳۱۹-۱۳۲۵ در دبستان

از هیاهوی بازار که می گذریم، به گذر سربولک می رسیم. از کسی نشانی را می پرسیم. برقی در چشمانش می جهد و راه را به ما نشان می دهد؛ کوچه های قدیمی و صمیمی گذر، زیباتر از آن هستند که تصور می کردم. وارد کوچه که می شویم، ناگهان تابلویی که در آن «مصطفی» در میان رزمندگان، نشسته و لیخند می زند، نظرمان را به خود جلب می کند؛ تصویر بزرگ بر دیواری کاهگلی.

سه هفته ۲۶ خرداد ۸۹ ساعت هشت و نیم از ظهر

منزلی با پلاک ۷ و در قدیمی، خودنمایی می کند. پلاک هفت شاید یعنی اینجا می توان مردی را یافت که به آسمان هفتم پرواز کرد یا این که هر روز فرشتگان هفت بار دور این خانه گلی طواف می کنند. نمی دانم.





دولتی انتصابیه در پامنار تا دبیرستان‌های «دارالفنون» و «البرز» و دانشکده فنی دانشگاه تهران و پس از آن اعزام به آمریکا در سال ۱۳۳۷ یعنی در ۲۶ سالگی با استفاده از بورس تحصیلی شاگردان ممتاز به دلیل گرفتن مدال درجه اول فرهنگ از وزارت فرهنگ و گرفتن مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه تگزاس و مدرک دکترای دکتر وینگ و فیزیک پلاسما از دانشگاه برکلی کالیفرنیا.

مصطفی بزرگ شد و بزرگتر و دغدغه‌هایش هم می‌خواهم از اتاق بیرون روم که مصطفی صدایم می‌زند و می‌گوید: «در نوجوانی و در شبی تاریک و برف‌الود، هنگام بازگشت به خانه، در میان برف فقیری را دیدم که در سرما می‌لرزید.

نمی‌توانستم برای او جای گرمی تهیه کنم. تصمیم گرفتم که تمام شب را مثل آن فقیر در سرما بلرزم و از رختخواب محروم باشم. این‌چنین کردم و تا صبح از سرما لرزیدم و به سختی مریض شدم. چه مریضی لذت‌بخشی بود!

به اتاق دیگری که می‌رسیم، مصطفی بزرگتر شده است و پیشاپیش دانشجویان انقلابی در آمریکا چهره مصمم اوست که می‌درخشد.

در کنار کودکان یتیم لبنانی مانند پدری مهربان و در جبل‌عامل در میان دلاورمردان مقاومت مانند کوهی باشکوه ایستاده است. گویا چمران است که می‌گوید: «من در آمریکا زندگی خوشی داشتم و از همه نوع امکانات برخوردار بودم، ولی از همه آنها گذشتم و به جنوب لبنان رفتم تا در میان محرومان زندگی کنم. می‌خواستم که اگر نمی‌توانم به این مظلومان کمکی بکنم، لااقل در میانشان باشم؛ مثل آنان زندگی کنم و درد و غم آنان را در قلب خود بپذیرم».

در غائله کردستان، همسنگر جوانان انقلابی ایران از انقلاب اسلامی دفاع می‌کند. در وسط اتاق هم یادگارهایی از مصطفی به نمایش درآمده‌اند:

– جانماز و مهر و تسبیحی که با آنها با محبوبش خلوت می‌کرد.

– عینکی که در پشت آن، اشک‌هایش را پنهان

می‌ساخت.

– ساعتی که هر لحظه به آن نگاه می‌کرد که: کی آن لحظه زیبا فرا می‌رسد؟

– و گنج پای مصطفی، ما را به مجروحیتش در ماه‌های نخست جنگ تحمیلی در سوسنگرد می‌برد.

دوست دارم گمنام باشم

«مصطفی» یعنی برگزیده و مصطفی هم «برگزیده» بود و هم «برگزید». او درد و رنج‌ها را برای خود برگزید که می‌گفت: «خدایا! تو را شکر می‌کنم که من را با درد آشنا کردی تا درد دردمندان را لمس کنم. به ارزش کیمیای درد پی بیرم و ناخالصی‌های وجودم را در آتش درد بسوزانم». و برگزیده خدا بود و بیش از آن‌که او عاشق خدا باشد، خدا عاشق او بود که زمزمه می‌کرد: «خدایا! خوش دارم گمنام و تنها باشم تا در غوغای کشمکش‌های پوچ، مدفون نشوم».

مصطفی مال خودش نبود. مال خدا بود؛ مال همه بود؛ از یتیمان لبنان و محرومان کردستان گرفته تا جنگ زده‌های خوزستان. او خود را وقف مردم کرده بود. به یاد دارم همسرش، خانم غاده چمران، تعریف می‌کرد: نخستین عید بعد از ازدواجمان که لبنانی‌ها رسم دارند دور هم جمع می‌شوند، مصطفی در مؤسسه ماند و نیامد به خانه پدرم. آن شب از او پرسیدم: «دوست دارم بدانم چرا نرفتید؟»

مصطفی گفت: «الان عید است. خیلی از بچه‌ها رفته‌اند پیش خانواده‌هایشان. اینها که رفته‌اند، وقتی برگردند، برای این دویست، سیصد نفر یتیمی که در مدرسه مانده‌اند تعریف می‌کنند که چنین و چنان. من باید بمانم با این بچه‌ها ناهار بخورم، سرگرمشان کنم که اینها هم چیزی برای تعریف کردن داشته باشند». گفتیم: «چرا از غذایی که مادر برایمان فرستاد، نخوردید؟ نان و پنیر و جای خوردید». گفت: «این غذای مدرسه نیست». گفتیم: «شما دیر آمدید بچه‌ها نمی‌دیدند شما چی خورده‌اید». اشکش جاری شد، گفت: «خدا که می‌بیند».





از ایران تا ایران

خاطراتی از آزادگان

(قسمت پنجم)

مجروحان عزیز بدون مداوا با خاک و خون آغشته شده بودند و شهدا بر روی زمین قرار داشتند. دشمن سریع دست به عقب نشینی زد. من و آقای محمود انصاری که از ناحیه صورت زخمی بود با چند تن دیگر بر روی تانک دست بسته قرار گرفته بودیم اتفاقاً جلوی آگروز! دود و آتش و گرما. رفته رفته که به پشت جبهه عراقی ها می رفتیم برخورد های دشمن خشن تر می شد حالا دیگه باید قدر برخورد سربازان خط مقدم (حتی به خاطر ظاهر و فرار نکردن) را می دانستیم. سروکله چهره های خشن و کلاه قرمز بعثی و فرماندهان اصلی پیدا می شد، کتکها شامل سیلی، قنداق تفنگ، لگد و شروع شد البته ناگفته نماند که در زبان خود واژه " شما مهمان ما هستید" را می چرخاندند.

چشم بسته ها

غروب آفتاب بود و هوا رو به تاریکی. دست بسته و چشم بسته در پشت کامیون ها و نفربرها نشسته و از یک مقر به مقر دیگر. نمایش شروع شده بود، گرسنگی و تشنگی، خونریزی و درد شدید مجروحان از یک طرف و از طرف دیگر آزار عراقی ها و... به سمت شهر بصره حرکت داده شدیم. بالاخره از تاریکی شب خجالت کشیدند و چشم هایمان را باز کردند. چراغهای شهر پرماجرای بصره از دور پیدا بود. از میان رملهای خاکی کامیون ها با سرعت حرکت می کردند. سربازان مستقر در کامیون ها هم از ما به خوبی با لگد و قنداق تفنگ پذیرایی می کردند. با دستهای بسته روی هم می افتادیم. دست اندازها هم به کمک آمده حسابی مثل لباس داخل ماشین لباسشویی درهم نوردیده می شدیم.

داود طالبی

عضو هیأت علمی دانشکده مدیریت و

حسابداری دانشگاه شهید بهشتی

گروه مدیریت صنعتی

روزی اول

حدود ساعت ۱۲ ظهر روز شنبه ۱۳۶۷/۵/۱ جاده اهواز خرمشهر دو راهی کوشک. اکنون نبرد و درگیری چند ساعته به پایان رسیده است. دشمنان پس از دستگیری دسته های همه را از پشت بستند. تعدادی داخل تانکها و نفربر زرهی و تعدادی هم روی تانکها. در این هنگام تعدادی از اعضاء گردان های امام حسن (ع) و امام حسین (ع) که قبل از ما پس از درگیری های شدید دستگیر شده بودند را دیدیم. اوضاع بسیار ناگوار بود. تشنگی شدید همه را از پا انداخته بود. عراقی ها مقدار کمی آب گرم که داخل تانکها بود و برای مصرف غیر آشامیدنی بود را به ما دادند ولی تقریباً هیچ اثری نداشت.





را در یک میدان نظامی بزرگ که تانک‌های آب در کنار این میدان قرار گرفته بود جمع کردند حدود ۲ تا ۳ هزار نفر بودیم.

خبرنگاران داخلی و خارجی آمدند، عسکرداری و فیلمبرداری از صحنه‌های نمایشی انجام شد. در این لحظات از کتک و بدرفتاری خبری نبوده، آب هم داخل تانکر در کنارمان بود پس از پایان نمایش دوباره حمله شروع شد و روانه سوله شدیم. دوباره تشنگی، گرسنگی، نبود سرویس بهداشتی و عدم رسیدگی به مجروحان. نماز را هم با همین وضعیت با تیمم اقامه کردیم.

هنگام غروب اتوبوس‌ها آمدند. برای انتقال به اردوگاه! با دقت و مواظبت شدید همراه با تنبیهات، سوار اتوبوس‌ها شدیم. البته دائم شمارش و آمارگیری را انجام می‌دادند، دیر وقت شده بود. برای همه اتوبوس یک سطل کوچک (مثل سطل ماست خودمان) غذا برای ۴۰ نفر! هر چند که از فرط تشنگی کسی غذا نمی‌توانست بخورد. داخل هر اتوبوس چند مامور نظامی بود و بعد حرکت به سمت بغداد شروع شد، از فرط خستگی تقریباً همه داخل اتوبوس به خواب رفته بودند. صبح روز دوشنبه ۶۷/۵/۳ وارد بغداد شدیم.

ادامه دارد...

شب هنگام وارد شهر بصره شدیم. از کامیون پیاده شده و در تونل کتک با کابل و چپ و راست پذیرایی و وارد زمین بازی بسکتبال شدیم. درجه داران و افسران کلاه قرمز با خشونت تمام که چهره‌هایشان یزدیان را به یاد می‌آورد حرکات آکروباتیک برای کتک زدن را شروع کردند. در این زمین بازی دو تیم اصلاً قابل مقایسه نبودند!

شدت تشنگی به اوج خود رسیده بود همه روی زمین افتاده بودند. تعدادی همان جا شهید شدند.

یک شیلنگ آب از پشت توری‌های زمین بسکتبال را بصورت پاران برای لحظه‌ای بر روی ما فرستادند چند قطره‌ای آب وارد دهانمان شد و گویی که دوباره زنده شدیم. شب بدون غذا در همانجا ماندیم. همه به خواب رفتند (خراپه‌های شام در بصره نمادی تازه یافت)

فردا صبح که توانی برایمان نبود با تونل کتک بدرقه شده به سمت سوله‌ای برده شدیم. شرایط مکانی بدتر از قبل چیزی حدود ۲۰ برابر ظرفیت این سوله جمعیت را جای دادند، افراد بر روی هم می‌افتادند. عده‌ای از مجروحان در این سوله مرگ به شهادت رسیدند و دشمن با وقاحت تمام اجساد پاک و مطهر شهیدان را بیرون سوله در چاله‌ای قرار می‌داد.

نوبت نمایش و تزیین

روز دوم را با چند لقمه‌ای نان شروع کردیم. نانی که تشنگی را بیشتر می‌کرد و خیلی از افراد به همین خاطر از خوردن آن خودداری کردند. دائم تقاضای آب داشتیم ولی خبری نمی‌شد، فقط بقدری که زنده بمانیم، همین و بس!

برای ناهار هم درون ظرف‌های رویی (بزرگ‌تر از لگن حمام) با بیل مقداری برنج ریخته و این یک بیل غذای ۲۰ یا ۳۰ نفر بود!

ناگهان اوضاع تغییر کرد. کتک و بدرفتاری فروکش کرد همه آماده برای بیرون رفتن از سوله مرگ. همه اسراء





مبعث پیام آور عدالت و کرامت انسانی



آن روز که در غار حرا ندا بر پیامبر (ص) آمد که بخوان ؛ رسالت نبوی با پیام خروج انسان از ظلمات و حرکت به سوی نور آغاز شد . بعثت پیامبر اکرم (ص) سرآغاز راهی شد تا انسان از شرک ؛ بی عدالتی ؛ تبعیض ؛ جهل و فساد بیرون آمده و به سوی توحید ؛ معنویت ؛ عدالت و کرامت حرکت کند. مبعث نبوی با نهضت معنوی شروع شد و انقلابی در عالم بشری ایجاد کرد که هنوز دامنه آن ادامه دارد . این تحول روحی ؛ مردم مادی بت پرست را به مبدا آفرینش راهنمایی کرد و از کردار زشت برحذر ساخت و به نیکویی دعوت نمود . پیامبر (ص)

پیروان خود را به این منقبت ستود که شما

بهترین امت من هستید و می توانید دنیای بشریت را با اجرای قانون متین قرآن به سعادت مطلوب برسانید . رسول خدا (ص) در روز ۲۷ رجب در مکه مکرمه دعوت به خدا را آغاز کرد و سالها

بعد در مدینه حکومت اسلامی را تشکیل داد . حضرت محمد (ص) دین مبین اسلام را به مردمی عرضه کرد که جملگی در آتش جهل می سوختند و دعوت او چنان دلنشین بود که به سرعت دیوارهای جهل و خرافات را فرو ریخت و مردم موج موج به اسلام گرویدند . رسول خدا در مدینه منشور حکومتی اسلام را پایه ریزی و همه مردم را در اداره حکومت شریک کرد . حضرت محمد (ص) سالها به صورت پنهانی مردم مکه را به سوی خدا دعوت کرد و آن زمان ندا

آمد که دعوت آشکار کن ؛ دشمنان چنان عرصه را بر او تنگ کردند که به دستور خدا هجرت آغاز کرد . پیامبر گرامی اسلام پس از ۱۳ سال توقف در مکه در اثر فشار و اذیت و آزار قریش از طرف خداوند مامور شد به مدینه هجرت کند ؛ هجرت پیامبر اکرم (ص) و اسلام گشود ؛ همچون کسی که از محیط آلوده و خفقان آور به هوای آزاد و سالم پناه برد . هجرت پیامبر (ص) و مسلمانان از مکه به مدینه برای پی ریزی زندگی اجتماعی اسلام ؛ نخستین گام بلند در پیروزی و گسترش اسلام و جهانی شدن آن بود.

مبعث نبی اکرم اسلام در سراسر ایران اسلامی با شکوه خاصی گرامی داشته می شود و همه ساله به همین مناسبت مراسم و جشن هایی در اماکن مذهبی مساجد و حسینیه ها برگزار می گردد.

مردم با آذین بندی و چراغانی خیابانها ؛ معابر ؛ مساجد و

شرکت در مراسم جشن ارادت خالصانه خود را به خاتم الانبیا حضرت محمد بن عبدالله (ص) نشان می دهند.

پیامبر (ص) پیروان خود را به این منقبت ستود که شما

بهترین امت من هستید و می توانید دنیای بشریت را با

اجرای قانون متین قرآن به سعادت مطلوب برسانید .



حضرت امیر المومنین علی (ع)

فُرْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ

حضرت امیر المومنین علی (ع) فرزند ابوطالب شیخ بنی هاشم عمومی پیغمبر اکرم (ص) بود که پیغمبر اکرم او را سرپرستی نموده و در خانه خود جای داده و بزرگ کرده بود و پس از بعثت نیز تا زنده بود از آن حضرت حمایت کرد و شرکفار عرب و خاصه قریش را از وی دفع نمود.

علی (ع) بنا به نقل مشهور ده سال پیش از بعثت متولد شد و پس از شش سال بر اثر قحطی که در مکه و حوالی آن روی داد بنا به درخواست پیغمبر اکرم (ص) از خانه پدر به خانه پسر عمومی خود پیغمبر اکرم منتقل گردید. و تحت سرپرستی و پرورش مستقیم آن حضرت درآمد پس از چند سال که پیغمبر اکرم (ص) به موهبت نبوت نایل شد و برای نخستین بار در غار حرا وحی آسمانی به وی رسید، وقتی که از غار رهسپار شهر و خانه خود شد و ما جرارا فرمود علی (ع) به آن حضرت ایمان آورد. و باز در مجلسی که پیغمبر اکرم (ص) خویشاوندان نزدیک خود را جمع کرده و به دین خدا دعوت نمود فرمود نخستین کسی از شما که دعوت مرا بپذیرد خلیفه و وصی و وزیر من خواهد بود. تنها کسیکه از جای خود بلند شد و ایمان آورد علی (ع) بود و پیغمبر اکرم ایمان او را پذیرفت و وعده های خود را درباره اش امضا نمود. از این روی علی (ع) نخستین کسی است که به اسلام ایمان آورد و نخستین کسی است که هرگز غیر خدای یگانه را نپرستید.

علی (ع) پیوسته ملازم پیغمبر اکرم (ص) بود تا آن حضرت از مکه به مدینه هجرت نمود و در شب هجرت نیز که کفار خانه آن حضرت را محاصره کرده بودند و تصمیم داشتند آخر شب به خانه ریخته و آن حضرت را در بستر خواب قطعه قطعه نمایند علی (ع) در بستر پیغمبر اکرم (ص) خوابید و آن حضرت از خانه بیرون آمده، رهسپار مدینه گردید. در مدینه نیز ملازم پیغمبر اکرم (ص) بود و آن حضرت در هیچ زمان علی (ع) را کنار نزد و یگانه دختر محبوبه خود فاطمه را به عقد آن حضرت درآورد. و در موقعی

که میان اصحاب خود عقد اخوت می بست او را برادر خود قرار داد. علی (ع) در تمام جنگهایی که پیغمبر اکرم (ص) شرکت داشتند حاضر شد جز جنگ تبوک که آنحضرت او را در مدینه به جای خود قرار داده بود.

و از هیچ حریفی روی نگردانید و در هیچ امری با پیغمبر اکرم (ص) مخالفت نکرد چنانکه آن حضرت فرمود هرگز علی از حق و حق از علی جدا نمی شوند. علی (ع) روز رحلت پیغمبر اکرم (ص) سه سال داشت و با اینکه در همه فضایل دینی سرآمد و در میان اصحاب پیغمبر ممتاز بود و در روز غدیر خم نیز به نص صریح پیامبر (ص) به جانشینی ایشان منصوب شد؛ از خلافت کنارش زدند و به این ترتیب دست آن حضرت از شئون عمومی بکلی قطع شد و نیز به تربیت افراد پرداخت و بیست و پنج سال که زمان خلافت سه خلیفه پس از رحلت پیغمبر اکرم (ص) را بود بدین ترتیب گذرانید و پس از کشته شدن خلیفه سوم مردم با آن حضرت بیعت نموده و به خلافتش برگزیدند. آن حضرت در خلافت خود که چهار سال و نه ماه تقریباً طول کشید سیرت پیغمبر اکرم (ص) را داشت و به خلافت خود صورت نهضت و انقلاب داده و به





پراکنده شده فرار نمودند وی هرگز پشت به دشمن نکرد و هرگز نشد که کسی از مردان جنگی دشمن با وی درآویزد و جان به سلامت برد و در عین حال با کمال توانایی، ناتوانان را نمی شکست و فراریان را دنبال نمی کرد و شبیخون نمی زد و آب بروی دشمن نمی بست.

حضرت علی ع با همه وجود و خالصانه از حریم دین خدا حمایت کرد لحظه ای در آسایش نبود مخصوصاً در ایام پر مخاطره حکومت عدل گسترش که نظیر آن وجود نداشته است.

پیامبر اکرم (ص) حضرت علی و خودشان را از یک شجره می دانستند و می فرمودند: من و علی پدر این امت هستیم من شهر علم هستم و علی درب آن.

وصیت امیر مومنان علی (ع)

طبری در تاریخ و ابوالفرس اصفهانی در مقاتل الطالبیین وصیت نامه امیر مومنان (ع) را ذکر کرده اند. این وصیت نامه چنین است.

۹۹

بسم الله الرحمن الرحيم

این وصیت نامه علی بن ابیطالب است. گواهی می دهد که معبودی جز خدای بی شریک نیست و محمد بنده و پیامبر اوست که وی را با هدایت و آیین حق فرستاد که بر همه دینها چیرگی دهد اگرچه مشرکان آن را ناخوش دارند. نماز و عبادت و زندگی و مرگ من برای خدای بی شریک و پروردگار جهانیان است. چنین مامور شده ام و من از مسلمانانم. شما دو تن حسن و حسین (ع) را به تقوای الهی سفارش می کنم. درجست و جوی دنیا نباشید اگر چه دنیا در جست و جوی شما باشد و بر چیزی از دنیا که از دست شما می رود دریغ مخورید. جز حق مگوئید و برای پاداش کار کنید برای آخرت کار کنید. دشمن ستمگر و یاور مظلوم و ستمدیده باشید. شما دو تن و همه فرزندان و خانواده ام و هرکس را که این

اصلاحات پرداخت و البته این اصلاحات به ضرر برخی از سودجویان تمام می شد و از این روی عده ای از صحابه که پیشاپیش آنها عایشه و طلحه و زبیر و معاویه بودند خون خلیفه سوم را دستاویز قرار داده سر به مخالفت برداشته و بنای شورش و آشوبگری گذاشتند.

آن حضرت برای خوابانیدن فتنه، جنگی با عایشه و طلحه و زبیر در نزدیکی بصره که به جنگ جمل معروف است و جنگی دیگر با معاویه در مرز عراق و شام که به جنگ صفین معروف است و یکسال و نیم ادامه یافت و جنگی با خوارج در نهروان که به جنگ نهروان معروف است کرده و به این ترتیب بیشتر مساعی آن حضرت در ایام خلافت خود صرف رفع اختلافات و فتنه های داخلی شد و پس از مدتی در سحرگاه روز نوزدهم ماه رمضان سال چهل هجری در مسجد کوفه در سر نماز، بدست یکی از خوارج، ضربتی خورده و در شب بیست و یکم آن ماه شهید شدند.

امیرالمومنین علی (ع) به شهادت تاریخ و اعتراف دوست و دشمن در کمالات انسانی نقیصه ای نداشته و در فضایل اسلامی نمونه کاملی از تربیت پیغمبر اکرم (ص) بود. بحثهایی که در اطراف شخصیت او شده و کتابهایی که در این باره شیعه و سنی و سایر مطلعین و کنجکاوان نوشته اند درباره هیچیک از شخصیت های تاریخ اتفاق نیفتاده است.

علی (ع) در علم و دانش داناترین یاران پیغمبر اکرم (ص) و سایر مسلمانان بود و نخستین کسی است در اسلام که در بیانات علمی خود در استدلال و برهان را باز کرد و در معارف الهیه بحث فلسفی نمود و در باطن قرآن سخن گفت و برای نگهداری لفظ قرآن دستور زبان عربی را وضع فرمود و تواناترین عرب بود در سخنرانی. علی (ع) که در زمان پیغمبر اکرم (ص) و پس از آن در همه جنگها شرکت کرد، در شجاعت ضرب المثل بود هرگز ترس و اضطراب از خود نشان نداد و با اینکه بارها ضمن حوادثی مانند جنگهای احد و حنین و خیبر و خندق یاران پیغمبر اکرم ص و لشکریان اسلام لرزیدند و یا



وصیت نامه من به دست او می رسد به تقوای الهی و رعایت نظم در کارها و اصلاح میان خودتان سفارش می کنم. زیرا از رسول خدا(ص) شنیدم که می فرمود اصلاح میان مردم برتر از تمام نماز و روزه است و دشمنی نکنید که باعث زوال دین است و نیرویی نیست مگر به استعانت خدا. به خویشاوندان خود بنگرید. پس با آنها رفت و آمد کنید که خداوند محاسبه را بر شما سبک می کند. خدا را در مورد یتیمان در نظر آورید.

گرسنه شان نگه ندارید تا در محضر شما در خواری نیفتند. زیرا از رسول خدا(ص) شنیدم که می فرمود هرکس یتیمی را سرپرستی کند تا بی نیاز شود، خداوند بهشت را برای او واجب می گرداند، و اگر کسی مال یتیمی را بخورد جهنم را بر او واجب می کند. خدا را خدا را در مورد قرآن منظور دارید تا مبادا دیگران در عمل بدان از شما پیشی گیرند خدا را در مورد همسایگانتان پیش نظر آورید که سفارش شدگان پیامبرتان هستند. خدا را خدا را در باره خانه پروردگارتان منظور دارید. پس تا زمانی که باقی هستید نباید از وجود شما خالی باشد که اگر متروک شود نتوانید همتایی برای آن قرار دهید، خدا را خدا را در باره نماز رعایت کنید که آن بهترین کردارها و ستون دین شماست. خدا را خدا را در باره زکات پیش چشم آورید که آن خشم پروردگارتان را فرو می نشاند. خدا را خدا را در باره جهاد در راه خدا با مالها و جانهایتان منظور دارید.

جز این نیست که دو تن در راه خدا جهاد می کنند، پیشوای هدایت کننده و کسی که مطیع او و پیرو هدایت اوست. خدا را خدا را در باره ذریه پیامبرتان(ص) رعایت کنید و مبادا پیش روی شما به آنان ستم کنند. خدا را خدا را در مورد یاران پیامبرتان(ص) منظور دارید

کسانی که بدعتی از آنان سر نزده و بدعتگذاری را پناه نداده اند. زیرا رسول خدا به آنان سفارش کرده و بدعتگذاران آنان و پناه دهندگان به آنان را لعنت فرموده است. خدا را خدا را در مورد مستمندان و مسکینان پیش چشم آورید. پس آنان را در زندگی خود سهیم کنید.

سپس فرمود نماز نماز. در راه خدا از سرزنش سرزنشگران بیم مدارید خداوند شما را از شر کسانی که بر ضد شمایند

کفایت کند. با مردم به نیکویی سخن بگویید چنان که خداوند شما را بدان فرموده است و امر به معروف و نهی از منکر را کنار مگذارید که در این صورت خداوند بدان شما را بر شما حاکم کند. آن گاه دعا می کنید ولی به استجاب نمی رسد. بر شما باد دوستی و بخشندگی و از جدایی و دشمنی و پراکندگی بر حذر باشید. در کار نیک و پرهیزگاری یار همدیگر باشید و بر گناه و ستم همدلی نکنید. پروای خدا پیشه کنید که خدا سخت مجازات است.

خداوند دودمان شما را حفظ کند و پیغمبر را در میان شما بر جای دارد و شما را به خدا می سپارم که بهترین نگهدارنده است و سلام و رحمت و برکات الهی را بر شما

می خوانم . ۶۶



دچار سینه تنگی و خفقان شدن با افزایش ارتفاع

به این ترتیب وقتی خدا بخواهد کسی را راه ببرد سینه وی را برای اسلام باز می کند و هر که را بخواهد به حال خود رها کند سینه وی را تنگ خفه کننده می کند، چنان که گویی دارد در جو بالا و بالاتر می رود. به این ترتیب خدا بر کسانی که ایمان نمی آورند زشتی و پلیدی زننده می گذارد.

”فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ“

(انعام-۱۲۵)

نگاه آیه:

کسی که در جو بالا و بالاتر برود دچار احساس سینه

تنگی خفقان آور می شود.

آیه وضعیت کسی که اسلام را خوش نمی دارد، وضعیت وی در برخورد با اسلام را به وضعیت کسی تشبیه می کند که رفته رفته در جو بالا و بالاتر می رود و دچار سینه تنگی خفه کننده می شود.

از سطح دریا تا ارتفاع ۳۰۰۰ متر اکسیژن به اندازه کافی وجود دارد و انسان می تواند به طور عادی و طبیعی تنفس و زندگی کند. از ارتفاع ۳۰۰۰ متر به بالا اکسیژن به اندازه کافی وجود ندارد و فشار جو کاسته می شود. از آن جا که میان فشار جو بر بدن و فشار خون و مایعات بدن تعادل و توازن وجود دارد، از ارتفاع ۴۵۰۰ یا ۴۸۰۰ متری به دلیل کمبود اکسیژن و پائین بودن فشار جو انسان دچار تنگی نفس می شود. چنان

« پس هر که را خدا هدایت او خواهد، قلبش را به نور اسلام روشن و منشرح گرداند و هر که را خواهد گمراه نماید (یعنی به حال گمراهی و اگذازد) دل او را از پذیرفتن ایمان تنگ و سخت تنگ گرداند که گویی می خواهد از زمین بر فراز آسمان رود این است که خدا آنان را که به حق نمی گردند مردود و پلید می گرداند.»





چه بالا رفتن را ادامه بدهد ، از ارتفاع ۷۵۰۰ متری به بالا احساس تنگی نفس وارد مرحله خفه شدن می شود. به ارتفاع ۱۵۰۰۰ متری که برسد توان تحمل پائینی فشار جو و کمبو اکسیژن را ندارد و در صورت نداشت پوشاک و امکانات ویژه فضا بی هوش شده و می میرد. به این ترتیب چنان که در آیه آمده کسی که در جو رو به بالا می رود به نقطه سینه تنگی خفه کننده می رسد و خداوند همین وضعیت را برای سینه کسانی که با دین در می افتند پیش می آورد و آن را رجس می نامد و رجس به معنی؛ زشتی و پلیدی زننده و فرومایه گانه است.



۱۳ خرداد روز ولادت حضرت زهرا (س)

شیعیان فاطمه (علیها السلام) در روز قیامت

نمایان است. فضای داخل آن قبه، انوار عفو الهی و خارج آن، پرتو رحمت خدایی است. بر فرازش تاجی از نور قرار دارد که دارای هفتاد پایه از در و یاقوت می باشد که همانند ستارگان درخشان در افق آسمان، نور افشاندند. از جانب راست آن مرکب، هفتاد هزار ملک و از طرف چپ آن هفتاد هزار فرشته است و جبرئیل مہار ناقد را می گیرد، با صدای بلندی ندا می کند: چشمان خویش را ببوشید، تا فاطمه دختر محمد عبور کند.

در آن هنگام حتی انبیا و صدیقین و شهدا همگی از ادب، دیده فرو می گیرند، تا اینکه فاطمه عبور می کند و در مقابل عرش پروردگارش قرار می گیرد. آنگاه از جانب خدا جل جلاله ندا می شود: ای محبوبه من و ای دختر حبیب من، بخواه از من آنچه می خواهی تا عطایت کنم و شفاعت کن هر که را مایلی، تا شفاعتت را بپذیرم.

در جواب عرضه می دارد: ای خدای من و ای مولای من، دریاب ذریه مرا، شیعیان مرا، پیروان مرا، دوستان مرا و دوستان ذریه مرا.

بار دیگر از جانب حق خطاب می رسد: کجا هستند ذریه فاطمه و پیروان او کجایند دوستدارانش و دوستداران ذریه او در آن هنگام جماعتی به پیش می آیند و فرشتگان رحمت، آنان را از هر سوی در میان می گیرند و فاطمه در حالی که پیشگام آنهاست، همگی را همراه خود به بهشت وارد می کند.

مانگونه که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به شیعیان امیرالمومنین و فرزندان معصومش (علیهم السلام) بشارت بهشت را داده و در فضیلت و عظمت مقام آنان سخن گفته اند، نسبت به شیعیان فاطمه (علیها السلام) نیز عینا با ذکر همان فضائل، مژده بهشت داده اند.

شیعه به معنی تابع، پیرو و اقتدا کننده است. لذا شیعه امیرالمومنین (علیه السلام) کسی است که از علی (علیه السلام) هدایت می یابد و همواره در فکر، اخلاق و عملش پیرو اوست. بنابر این شیعیان فاطمه (علیها السلام) نیز کسانی هستند که در زندگی خویش به دنبال صدیقه طاهره (علیها السلام) حرکت می کنند و در تمام ابعاد زندگی از آن حضرت الگو می گیرند. اما از آنجائی که تمامی اهل بیت (علیهم السلام) راهروی یک راه می باشند، شیعیان فاطمه (علیها السلام) نیز در روایات عینا در ردیف شیعیان امیرالمومنین (علیه السلام) به شمار آمده اند. از این رو گاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در مدح شیعیان امیرالمومنین (علیه السلام) سخن می گوید و گاه در فضیلت شیعیان فاطمه (سلام الله علیها)، و همین روش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نشانگر این است که فاطمه زهرا (علیها السلام) اگر چه در صراط مستقیم هدایت، به دنبال امیرالمومنین (علیه السلام) است، اما در عین حال خود الگویی مستقل به شمار می آید.

حدیث ذیل نمونه ای از این مطلب را بیان می کند: جابر بن عبدالله از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت می کند که آن حضرت فرمود:

"هنگامی که روز قیامت فرا رسد، دخترم فاطمه سوار بر ناقدی از ناقد های بهشتی وارد عرصه محشر می شود که مہار آن ناقد از مروارید درخشان و چهار پاهایش از زمرد سبزااست... و بر فراز آن، قبه ای (خیمه ای) از نور قرار دارد که بیرون آن از درونش و درون آن از بیرونش

(برگرفته از کتاب "فاطمه زهرا (علیها السلام)")
(تألیف مرحوم علامه امینی)





مردمان مأثور به دستورهایی می‌شود.» بنا بر این، معنای تقدیر الهی این است که در جهان مادی، آفریده‌ها از حیث هستی و آثار و ویژگی‌هایشان محدوده‌ای خاص دارند. این محدوده با اموری خاص مرتبط است؛ اموری که علت‌ها و شرایط آنها هستند و به دلیل اختلاف علل و شرایط، هستی، آثار و ویژگی‌های موجودات مادی نیز متفاوت است. هر موجود مادی به وسیله قالب‌هایی از داخل و خارج، اندازه‌گیری و قالب‌گیری می‌شود. این قالب، حدود، یعنی طول، عرض، شکل، رنگ، موقعیت مکانی و زمانی و سایر عوارض و ویژگی‌های مادی آن به شمار می‌آید. پس معنای تقدیر الهی در موجودات مادی، یعنی هدایت آنها به سوی مسیر هستی‌شان است که برای آنها مقدر گردیده است و در آن قالب‌گیری شده‌اند. (۸)

اما تعبیر فلسفی قدر، اصل علیت است. «اصل علیت همان پیوند ضروری و قطعی حوادث با یکدیگر و این که هر حادثه‌ای تحت و قطعیت ضروری و قطعی خود و نیز تقدر و خصوصیات وجودی خود را از امری یا اموری مقدم بر خود گرفته است. (۹)

اصل علیت عمومی و نظام اسباب و مسببات بر جهان و جمیع وقایع و حوادث جهان حکمفرماست و هر حادثی، ضرورت و قطعیت وجود خود و نیز شکل و خصوصیت زمانی و مکانی و سایر خصوصیات وجودی‌اش را از علل متقدمه خود کسب کرده است و یک پیوند ناگسستی میان گذشته و حال و استقبال میان هر موجودی و علل متقدمه او هست.» (۱۰)

اما علل موجودات مادی ترکیبی، فاعل و ماده و شرایط و عدم مانع است که هر یک تاثیر خاص بر آن دارند و مجموع این تأثیرها، قالب وجودی خاصی را شکل می‌دهند. اگر تمام این علل و شرایط و عدم مانع، کنار هم گرد آیند، علت تامه ساخته می‌شود و معلول خود را ضرورت و وجود می‌دهد که از آن در متون دینی به

قدر در لغت به معنای اندازه و اندازه‌گیری است. (۱) «تقدیر» نیز به معنای اندازه‌گیری و تعیین است. (۲) اما معنای اصطلاحی «قدر»، عبارت است از ویژگی هستی و وجود هر چیز و چگونگی آفرینش آن (۳) به عبارت دیگر، اندازه و محدوده وجودی هر چیز، «قدر» نام دارد. (۴)

بنابر دیدگاه حکمت الهی، در نظام آفرینش، هر چیزی اندازه‌ای خاص دارد و هیچ چیزی بی‌حساب و کتاب نیست. جهان حساب و کتاب دارد و بر اساس نظم ریاضی تنظیم شده، گذشته، حال و آینده آن با هم ارتباط دارند.

استاد مطهری در تعریف قدر می‌فرماید: «... قدر به معنای اندازه و تعیین است... حوادث جهان ... از آن جهت که حدود و اندازه و موقعیت مکانی و زمانی آنها تعیین شده است، مقدور به تقدیر الهی است.» (۵)

پس در یک کلام، «قدر» به معنای ویژگی‌های طبیعی و جسمانی چیزهاست که شامل شکل، حدود، طول، عرض و موقعیت‌های مکانی و زمانی آنها می‌گردد و تمام موجودات مادی و طبیعی را در برمی‌گیرد.

این معنا از روایات استفاده می‌شود؛ چنان که در روایتی از امام رضا علیه السلام پرسیده شد: معنای قدر چیست؟ امام فرمود: «تقدیر الشیء، طول و عرض»؛ «اندازه‌گیری هر چیز اعم از طول و عرض آن است.» (۶) و در روایت دیگر، این امام بزرگوار در معنای قدر فرمود: «اندازه هر چیز اعم از طول و عرض و بقای آن است.» (۷)

در این شب تمام حوادث سال آینده به امام هر زمان ارائه می‌شود و وی از سرنوشت خود و دیگران با خبر می‌گردد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «انه ينزل فی لیلة القدر الی ولی الامر تفسیر الامور سنة سنة، یؤمر فی امر نفسه بكذا و کذا و فی امر الناس بكذا و کذا؛ در شب قدر به ولی امر (امام هر زمان) تفسیر کارها و حوادث نازل می‌شود و وی درباره خویش و دیگر



۱۸۵ سوره مبارکه «بقره» می‌فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»؛ ماه رمضان که در آن قرآن نازل شده است. طبق این آیه، نزول قرآن (نزول دفعی) در ماه رمضان بوده است. و در آیات ۳ - ۵ سوره مبارکه دخان می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ» فيها يُفَرِّقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ * أَمْراً مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ. این آیه نیز تصریح دارد که نزول [دفعی] قرآن در یک شب بوده است که از آن به شب مبارک تعبیر شده است. همچنین در سوره مبارکه قدر تصریح شده است که قرآن در شب قدر نازل شده است.

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنْزِيلُ الْمَلَكِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ



«قدر» در لغت به معنای اندازه و اندازه‌گیری است. «تقدیر» نیز به معنای اندازه‌گیری و تعیین است. اما معنای اصطلاحی «قدر»، عبارت است از ویژگی هستی و وجود هر چیز و چگونگی آفرینش آن به عبارت دیگر، اندازه و محدوده وجودی هر چیز، «قدر» نام دارد.

«قضای الهی» تعبیر می‌شود. اما هر موجودی با توجه به علل و شرایط خود قالبی خاص دارد که عوارض و ویژگی‌های وجودی‌اش را می‌سازد و در متون دینی از آن به «قدر الهی» تعبیر می‌شود.

با روشن شدن معنای قدر، امکان فهم حقیقت شب قدر نیز میسر می‌شود. شب قدر شبی است که همه مقدرات تقدیر می‌گردد و قالب معین و اندازه خاص هر پدیده، روشن و اندازه‌گیری می‌شود. به عبارت روشن‌تر، شب قدر یکی از شب‌های دهه آخر ماه رمضان است. طبق روایات ما، یکی از شب‌های نوزدهم یا بیست و یکم و به احتمال زیادتر، بیست و سوم ماه مبارک رمضان است. (۱۱) در این شب - که شب نزول قرآن به شمار می‌آید - امور خیر و شر مردم و ولادت، مرگ، روزی، حج، طاعت، گناه و خلاصه هر حادثه‌ای که در طول سال واقع می‌شود، تقدیر می‌گردد. (۱۲) شب قدر همیشه و هر سال تکرار می‌شود. عبادت در آن شب، فضیلت فراوان دارد و در نیکویی سرنوشت یک ساله بسیار مؤثر است. (۱۳) در این شب تمام حوادث سال آینده به امام هر زمان ارائه می‌شود و وی از سرنوشت خود و دیگران با خبر می‌گردد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «انه ينزل في ليلة القدر الى ولي الامر تفسير الامور سنة سنة، يؤمر في امر نفسه بكذا وكذا وفي امر الناس بكذا وكذا؛ در شب قدر به ولی امر (امام هر زمان) تفسیر کارها و حوادث نازل می‌شود و وی درباره خویش و دیگر مردمان مأمور به دستورهایی می‌شود.» (۱۴) پس شب قدر شبی است که:

۱- قرآن در آن نازل شده است
۲- حوادث سال آینده در آن تقدیر می‌شود
۳- اولین عبادت پر امام زمان - روحی قبله -
حضرت مأمور به کارهایی می‌گردد

بنابراین، می‌توان گفت شب قدر، شب تقدیر و شب اندازه‌گیری و شب تعیین حوادث جهان ماده است. این مطلب مطابق آیات قرآنی نیز می‌باشد؛ زیرا در آیه





پس با جمع آیات سه گانه بالا روشن می شود:

۱. قرآن در ماه رمضان نازل شده است.
۲. قرآن در شبی مبارک از شب های ماه مبارک و رمضان نازل شده است.
۳. این شب در قرآن شب قدر نام دارد.
۴. ویژگی خاص این شب بر حسب آیات سوره مبارکه دخان دو امر است:
- الف. نزول قرآن.
- ب. هر امر حکیمی در آن شب مبارک چنان می گردد.

که همه ساله در ماه رمضان و در دهه آخر آن، تجدید می شود. شبی که قرآن جز در آن شب نازل نشده و آن شبی است که خدای تعالی درباره اش فرموده است: «فیها یفرق کل امر حکیم؛ در آن شب هر امری با حکمت، متعین و ممتاز می گردد.» آنگاه فرمود: «در شب قدر، هر حادثه ای که باید در طول آن سال واقع گردد، تقدیر می شود؛ خیر و شر، طاعت و معصیت و فرزندی که قرار است متولد شود یا اجلی که قرار است فرارسد یا رزقی که قرار است برسد و ...» (۱۵)

پی نوشت ها:

- ۱- قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، ج ۵، ص ۲۴۶ و ۲۴۷.
- ۲- همان، ص ۲۴۸.
- ۳- المیزان، سید محمد حسین طباطبایی، ج ۱۲ ص ۱۵۰ و ۱۵۱.
- ۴- همان، ج ۱۹، ص ۱۰۱.
- ۵- انسان و سرنوشت، شهید مطهری، ص ۵۲.
- ۶- المحاسن البرقی، ج ۱، ص ۲۴۴.
- ۷- بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۲۲.
- ۸- المیزان، ج ۱۹، ص ۱۰۱ - ۱۰۳.
- ۹- انسان و سرنوشت، ص ۵۳.
- ۱۰- همان، ص ۵۵ و ۵۶.
- ۱۱- اقبال الاعمال، سید بن طاووس، تحقیق و تصحیح جواد قیومی اصفهانی، ج ۱، ص ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۷۴ و ۳۷۵.
- ۱۲- الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۱۵۷.
- ۱۳- المراقبات، ملکی تبریزی، ص، ۲۳۷ - ۲۵۲.
- ۱۴- الکافی، ج ۱، ص ۲۴۸.
- ۱۵- المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص، ۳۸۲/ بحث روایی ذیل سوره مبارکه قدر.

اما سوره مبارکه قدر که به منزله شرح و تفسیر آیات سوره مبارکه «دخان» است، شش ویژگی برای شب قدر می شمارد:

الف. شب نزول قرآن است (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ).

ب. این شب، شبی ناشناخته است و این ناشناختگی به دلیل عظمت آن شب است (وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ).

ج. شب قدر از هزار ماه بهتر است. (لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ).

د. در این شب مبارک، ملائکه و روح با اجازه پروردگار عالمیان نازل می شوند (تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ) و روایات تصریح دارند که آنها بر قلب امام هر زمان نازل می شوند.

ه. این نزول برای تحقق هر امری است که در سوره «دخان» بدان اشاره رفت (مَنْ كُلُّ أَمْرٍ) و این نزول - که مساوی با رحمت خاصه الهی بر مؤمنان شب زنده دار است - تا طلوع فجر ادامه دارد (سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ).

و. شب قدر، شب تقدیر و اندازه گیری است؛ زیرا در این سوره - که تنها پنج آیه دارد - سه بار «لَیْلَةُ الْقَدْرِ» تکرار شده است و این نشانه اهتمام ویژه قرآن به مسئله اندازه گیری در آن شب خاص است.

مرحوم کلینی در کافی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که آن حضرت در جواب معنای آیه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» فرمودند: «اری شب قدر، شبی است





الم یأ للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله

آیا برای کسانی که ایمان آورده اند هنگام آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد خدا نرم و فروتن گردد

شود. «اللهم ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق»، که دخول صادقانه و خالصانه در رمضان است که خروجی الهی در پی خواهد داشت. از همین امروز پلکان معنویت را بپیمایید که فرصت ها زودگذر و بعضاً تکرارناشدنی اند. ممکن است این سؤال در ذهن خواننده عزیز متبادر شود که از کجا آغاز کنیم، چه کنیم؟ در حدیث شریف نبوی که بسیار مورد تأکید علمای اخلاق است استفاده می شود که: به آنچه از حلال و حرام می دانید پایبند شوید و عمل کنید نادانسته ها بر شما مکشوف خواهد شد. هرکس در حد وسع خود می داند بد و خوب را و حلال و حرام را. گام اول عمل به دانسته هاست ترک محرمات واضح و آشکاری که هنوز گهگاهی از من و تو صادر می شود گام نخستین است و محکم برداشتن آن برکات فراوانی به دنبال دارد. ورود در ماه خدا و برداشتن گام نخست در سیر الی الله بر شما مبارک باد.

«ومن الله التوفیق»
«مدیر مسئول»

ه مگان ماه رمضان را ماه خدا می دانند لکن بدون تعرض به جایگاه رمضان، حدیث صریح پیامبر عظیم الشان صلوات الله و سلامه علیه، رجب را ماه خدا و شعبان را ماه پیامبر و رمضان را ماه امت پیامبر می خواند. گویا برای الهی درک کردن رمضان باید رجب را الهی بدانیم، الهی بخوانیم و الهی بگذرانیم. اولیاء دین، بزرگان و اهل سلوک و عرفان و عبادت و معنویت، برای رجب جایگاهی ویژه و مکانتی خاص در نظر گرفته اند. حاکم حکانی از مولفین عامه بر فضیلت رجب دست به تالیف مستقلی زده است و ابن بابویه محدث نامدار شیعه نیز در کتاب شریف «فضائل الا شهر الثلاثه» در شأن سه ماه رجب و شعبان و رمضان احادیث متعدد و زیبایی گردآوری و ارایه کرده است که با مطالعه آنها می توان به جایگاه این سه ماه و نقش برجسته آن در انسان سازی و سیر الی الله پی برد. توالی این سه ماه و وارد شدن ادعیه و اعمال فراوان در این سه ماه گویای آنست که بهار عبادت این سه ماه است، سه ماهی که از امروز آغاز شده و به عید سعید فطر می انجامد. مسیر خوش منظری که با میلاد مبارک امام باقر علیه السلام در آغازین روز رجب شروع، با میلاد امیر مومنان، بعثت رسول مکرم و اعیاد متوالی شعبانیه ادامه می یابد و ما را به ضیافه الله رمضان وارد می کند.

بزرگان دین و طریق سلوک دستیابی به مواهب ارزشمند رمضان و شبهای قدر را سزاوار کسی دانسته اند که ورودی رمضان را از رجب غبارروبی کند، دل و جان را در طهور رجب که جویباری بهشتی است غسل دهد. در شعبان که شعبه هایی از بهشت بدان سرازیر شده است خود را شست و شو دهد و طاهر وارد رمضان



امام صادق علیه السلام:

همکام افطار

برادر زیدوار دوسرور خوشحالی است:

همکام تقاء پروردگار

(وقت مران و رقیامت)

وبال (تبیان) ۱۳۹۰ م ۲۹۴



